

# شاخص‌های کارآمدی و کارآیی حکومت اسلامی در اندیشه امام علی (ع)

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۱۰۴۷۹

آبان‌ماه ۱۳۸۹

دفتر: مطالعات فرهنگی

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۲	فصل اول - کلیات
۶	فصل دوم - چيستی کارآمدی و کارآیی
۷	فصل سوم - شاخص‌های کارآمدی و کارآیی
۹	شاخص اول - عدالت
۱۵	شاخص دوم - شایسته‌سالاری
۲۳	شاخص سوم - قانون‌گرایی
۲۶	شاخص چهارم - علم و تجربه‌گرایی
۲۷	شاخص پنجم - نظارت
۳۵	شاخص ششم - امانت‌داری
۳۶	شاخص هفتم - الگو بودن و ساده‌زیستی
۳۷	شاخص هشتم - پرهیز از اسراف
۳۷	نتیجه‌گیری
۳۸	منابع و مآخذ



## شاخص‌های کارآمدی و کارآیی حکومت اسلامی در اندیشه امام علی (ع)

### چکیده

در این گزارش با طرح شاخص‌های کارآمدی حکومت در اندیشه امام علی (ع) در سه محور کلیات مباحث مفهومی کارآمدی حکومت، چابکی کارآمدی حکومت و شاخص‌های حکومتی با رویکرد سنت و تاریخ اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

### مقدمه

در بحث کارآمدی حکومت دو نکته اساسی نهفته است. یکی پیدایی کارآمدی در چه چیزی و دیگر چگونه به وجود آمدن کارآمدی است. این دو مفهوم از مباحث بسیار مهم در علوم مدیریت، اقتصاد و سیاست به‌شمار می‌آیند.

کارآمدی در حکومت اسلامی لایه‌های مختلفی داشته و از زوایای مختلفی باید مورد بررسی قرار گیرد تا مفاهیم و شاخص‌های اساسی آن به‌دست آید. در مفهوم کارآمدی حکومت هم باید سنت این بحث در حد قابل ملاحظه مورد توجه قرار گیرد و هم مفهوم آن در وضعیت کنونی کشورداری آمیخته شود و هم باید نگاهی به فرمای حکومت اسلامی داشت تا این مطالعات در شاخص‌های کارآمدی حکومت اسلامی راه‌گشا باشد.

گزارش کارآمدی و کارآیی حکومت اسلامی براساس اندیشه‌های امام علی (ع) در سه محور طرح شده است. یکی کلیات مفاهیم کارآمدی و کارآیی و دیگر چابکی مفهوم آنها و سوم تبیین شاخص‌های کارآمدی و کارآیی حکومت است. نکته قابل ملاحظه همزمان دیدن کارآمدی و کارآیی حکومت است که این دو در واقعیت عملی ملازم یکدیگرند.

این گزارش سرآغاز سلسله گزارش‌هایی در حوزه کارآمدی حکومت اسلامی است. بنابراین همه مباحثی که لازم است در کارآمدی حکومت طرح شوند به‌تدریج و پی‌درپی بیان می‌شوند. به‌علاوه در گزارشات بعدی موارد ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. نقش و جایگاه اساسی کارآمدی و کارآیی در نظام جمهوری اسلامی ایران،

۲. کارآمدی، کارآیی و مشروعیت در جمهوری اسلامی ایران،



۳. کارآمدی و کارآیی به مثابه اقتدار ملی،
۴. کارآیی و بحران سیاسی،
۵. افزایش کارآمدی و کارآیی در نظام جمهوری اسلامی ایران.

## فصل اول - کلیات

در فرهنگ لغت تعاریف مختلفی درباره شاخص‌های کارآمدی آمده است. در لغت‌نامه دهخدا شاخص به معنای بلند، برآمده از هر چیزی و یا مرتفع تعریف شده است.<sup>۱</sup> در فرهنگ معین شاخص به معنی بلند، برآمده و مرتفع است.<sup>۲</sup> کارآمد به معنی آنکه کارها را به نیکویی انجام دهد و یا آنکه کار داند.<sup>۳</sup> در فرهنگ معین کارآمد به معنی آنکه در جامعه ممتاز، منتخب، مهتر و رئیس باشد نامیده شده است.<sup>۴</sup>

نظام‌های حکومتی با توجه به نقش کارگزاران صالح و مدیر می‌توانند در نیل به اهداف خود کارآمدی نشان دهند و در این راستا تفاوتی میان حکومت دینی و غیردینی یا لائیک وجود ندارد و این خود یکی از عوامل اساسی در ثبات و کارآیی نظام سیاسی از دیرباز تاکنون بوده که در فلسفه سیاسی مد نظر قرار گرفته است.

افلاطون در جمهوری و ارسطو در سیاست به مفهوم کارآمدی حکومت پرداخته و عدالت حاکمان را مورد توجه قرار داده‌اند.<sup>۵</sup>

کارآیی<sup>۶</sup> و کارآمدی<sup>۷</sup> از مباحث مهم در علوم مختلف مانند، سیاست، اقتصاد و مدیریت است. سابقه این مفاهیم در علم مدیریت بسیار قدیمی است و مکاتب مدیریتی چون تیلوژیسم و ینسولتیلور به آن پرداخته‌اند.<sup>۸</sup>

تعریف کارآمدی در علم مدیریت با توجه به هدف‌های تعیین شده براساس رضایت خاطر کسانی است که در رسیدن به آن نقش دارند. کارآیی یعنی به‌کارگیری و تخصیص منابع و صرف حداقل هزینه و کمترین ضایعات برای تولید است.

۱. لغتنامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، آذر ۱۳۴۵، ج ۹، ص ۱۳۹۶۲.

۲. لغتنامه معین، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ج ۲، ۱۳۷۱، ص ۱۹۹۳.

۳. لغتنامه دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۷۹۵۳.

۴. لغتنامه معین، ج ۲، ص ۱۹۹۳.

۵. مهدی تقوی رفسنجانی، نقش سلامت کارگزاران حکومتی در ثبات و کارآیی نظام‌های سیاسی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع).

مجله اندیشه صادق، ش ۸ و ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.

6. Effectiveness

7. Efficiency

8. See, Fredrick Winslow Taylor, "Scientific Mangement", Newyork, Harper, 1947.



دو واژه کارآمدی و کارآیی در علم سیاست از طرفی بیانگر قابلیت و توانایی اداره هر کشور توسط مدیران شایسته آن است و از طرف دیگر ایفای بهینه امور و کسب حداکثر رضایتمندی مردم از آن بیان شده است.<sup>۱</sup> در نظریه‌های توسعه بحث کارآمدی به‌عنوان مؤلفه‌ای مشروعیت‌زا و مؤثر در بقا، استحکام و رشد نظام سیاسی و رفع خلل‌ها و بحران‌ها اهمیت بسیاری دارد و مفاهیم مشروعیت، در دستور کار نظریه‌پردازانی چون لیپست<sup>۲</sup> قرار گرفته است.

در نظریه‌های کارکردگرایی ساختاری و سیاستگذاری عمومی مفهوم کارآمدی و رابطه آن با نظریه بحران و نظریه سیستم‌ها مورد توجه کسانی چون لوسین پای<sup>۳</sup> و گابریل آلموند<sup>۴</sup> و ... قرار گرفته است.<sup>۵</sup>

از آنجایی که تمامی نظام‌های سیاسی با درجاتی از مخاطرات این موضوع در ارتباطند، این پژوهش‌ها مورد توجه قرار دارند و ادامه می‌یابند و کشور ما نیز از این قاعده مستثنا نیست. اسلام دینی جامع است که تمامی شئون حیات انسانی را دربرمی‌گیرد. نظام و اهداف اسلام مطابق با فطرت و نیازهای انسان طراحی شده و از جامعیت، هماهنگی، جهانشمولی، انعطاف‌پذیری و اعتدال برخوردار است.<sup>۶</sup>

## مؤلفه‌هایی کارآمدی و کارآیی

عناصر و مؤلفه‌های کارآمدی و کارآیی در اسلام به چند بخش تقسیم می‌شوند.<sup>۷</sup>

۱. خدا محوری: در چنین نظامی برخلاف نظام‌هایی که انسان محور هستند چند ویژگی نهفته است:

اول: مردم به‌طور طبیعی در زیر پرچم توحید منسجم و متحد می‌شوند و فرمان خداوند بر هر چیزی برتر است.

دوم: قوانین و مقررات از شرع است و از قداست برخوردار بوده و مردم علاوه‌بر پاداش دنیوی از پاداش و ثواب الهی نیز برخوردار می‌شوند و در قبال نقض قوانین، عذاب و کیفر اخروی بر آنان جاری خواهد شد. بنابراین انگیزه افراد برای انجام وظایف فردی، اجتماعی ... مضاعف

۱. جمهوری اسلامی و چالش کارآمدی (قسمت اول)، مجله حکومت اسلامی، ش ۲۴، اسفند ۱۳۸۳ و فروردین ۱۳۸۴.

2. See, S.M.Lipset, "Political man, The Social Basis of Politics", New York: Doubleday, 1959.

3. Lucian W. pye

4. Gabriel A. Almond

۵. مجید کاشانی، کارآمدی نظام و رویکردهای نظری آن، مجله دانشگاه اسلامی، سال هشتم، ش ۲۳ و ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۳ و برای اطلاع بیشتر درخصوص نظریه‌های کارآمدی ر.ک. علی نوعلم، تجربه کارآمدی حکومت ولایی، پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵، صص ۱۱۶-۱۲۱.

۶. محمود فتحعلی، کارآمدی نظام اسلامی، مجله حکومت اسلامی، ش ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان، ۱۳۸۳.

۷. علی‌اکبر نوایی، بنیادهای نظری کارآمدی فرهنگ اسلامی، اندیشه حوزه، سال هفتم، ش ۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۰.



می‌شود.<sup>۱</sup>

سوم: حرکت در چارچوب وحی باعث و مانع حاکمیت استبداد می‌شود.

۲. امامت و ولایتمداری،

۳. اعتقاد به معاد و روز پاسخگویی،

۴. عقل‌گرایی و منطق‌باوری،

۵. تأکید بر علم و تجربه،

۶. حقیقت و حقانیت،

۷. برابری انسان‌ها و تقوآمداری،

۸. عدالت و تکلیف محوری،

۹. شورا و تعامل با دیگران،

۱۰. مسئولیت‌پذیری و نظارت همگانی.

هدف حضرت علی (ع) از پذیرش قدرت و حکومت این بود که جامعه انسانی را به سوی تکامل مادی و معنوی و در نهایت به طرف خداوند متعال سوق دهد و عدالت اجتماعی را در جامعه برقرار سازد و برای تمامی مردم زندگی سالم و همزیستی مسالمت‌آمیز بر مبنای تساوی حقوق افراد به وجود آورد. ایشان در واقع می‌خواستند احیاگر حکومت و سیاستی باشند که پیامبر اکرم (ص) در مدت ۲۳ سال مدیریت و حکومت خود آن را بنا نهاده بودند و بعد از رحلت آن حضرت جامعه دچار دگرگونی شده و از اهداف آن بزرگوار فرسنگ‌ها فاصله گرفته است.<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم (ص) هدف از برانگیخته شدن خود به پیامبری را پیاده کردن و استوار نمودن پایه‌های اخلاق می‌دانستند و در این مسیر حرکت کردند. همان‌طور که خودشان بارها فرمودند: «برای کامل کردن ارزش‌های اخلاقی مردم برانگیخته شده‌ام»<sup>۳</sup> و در این راه آنچنان سعی کرده که در قرآن مجید نیز به داشتن اخلاق نیکو به سترگی ستوده شده‌اند.<sup>۴</sup>

## عوامل ناکارایی

از نظر حضرت علی (ع) چهار چیز عامل گرفتاری و عدم کارایی دولت‌ها می‌شود:

۱. از هم پاشیدگی و ضایع شدن مسائل اساسی کشور،

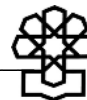
۲. چسبیدن به امور جزئی و فرعی و عدم توجه به حوزه فراگیر،

۱. محمدعلی صنّعی منفرد، رساله‌ای در تثبیت و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه الزهراء، زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۰۵.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۲۹، خطبه ۱۳۱، ص ۲۹۹.

۳. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۷۳.

۴. سوره قلم، آیه ۴.



۳. پیش انداختن فرومایگان،

۴. به‌کار نرفتن شایستگان.<sup>۱</sup>

مفهوم اداره و یا مدیریت به تعبیر امروزی در سخنان امام علی (ع) با واژه‌هایی چون تدبیر، امارت، قدرت، سیادت، سیاست و راعی وجود دارد.

اندیشوران حوزه مطالعات مدیریت نیز با استفاده از مفاهیم نهج‌البلاغه سعی در مقارنه آرای اسلامی و سایر مکاتب در این زمینه کرده‌اند. آنان عهدنامه مالک اشتر (نامه ۵۳) را به‌عنوان منشور مدیریت در حکومت اسلامی دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

از سیره نظری و عملی امام (ع) در نهج‌البلاغه تألیفات بسیاری انجام شده است. مانند آداب السطانیه و یا الإدارة و النظام الاداری عند الامام علی (ع) که ضمن بیان نظریات مدیریتی امام (ع) مقایسه‌ای با نظریات معاصر شرقی و غربی هم انجام شده است.

امام علی (ع) صفات شایسته مدیر را چنین بیان می‌کند: وقار، نرم‌خویی، سعه‌صدر، خویش‌تنداری، مدارا، گذشت، همه‌جانبه‌نگری در صدور حکم، سخت‌کوشی، وقت‌شناسی، زیرکی، آینده‌نگری، جلب رضایت مردم با تشویق و احسان و عدل و انصاف.

همچنین امامت و مدیریت باید دارای صفاتی چون دوراندیشی، اعتبار نظر، عدالت، دانایی، آگاهی، اندرز و ارشاد، عدم دل‌بستگی به دنیا، پاسخگویی به امت، تأمین‌کننده خواسته‌ها، صلابت و متانت، خوش‌برخوردی، گرامیداشت دین‌باوران، رسیدگی به نیازمندان و خدایاوران عبادتگر باشد.<sup>۳</sup> دیگر صفات و ویژگی‌ها و شرایط مدیریت از منظر امام علی (ع) علم و قدرت، شناخت و ارزیابی حوزه مدیریت، خودآگاهی، قناعت، سازماندهی، تقسیم‌کار، زمانمندی، گزینش اصولی و علمی، انعطاف و رعایت مسائل روانی، بازرسی دقیق و نظارت دائمی، خیراندیشی، ارزیابی عادلانه و تشویق، احترام به علم و تجربه، انضباط و تقواست.<sup>۴</sup>

وظایف مدیر در اسلام با دیگر وظایفی که امروزه برای مدیر شمرده شده است نیز مطابقت دارد. از جمله برنامه‌ریزی، هماهنگی، سازماندهی، رهبری و کنترل.<sup>۵</sup>

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۵۲۱.

۲. سید محمود حسینی سیاه‌پوش، سیری کوتاه در مدیریت اسلامی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴ و اسماعیل محمدی، کتابشناسی عهدنامه امام علی (ع) به مالک اشتر، حکومت اسلامی، زمستان ۱۳۷۹، ش ۱۸، صص ۴۶۱-۴۶۷.

۳. محسن باقر موسوی، الإدارة و النظام الاداری عند الامام علی (ع)، بیروت، مرکز پژوهش‌های اسلامی غدیر، ۱۴۱۹ ق و عبدالله امینی، معرفی کتاب اداره و النظام الاداری عند الامام علی (ع)، حکومت اسلامی، زمستان ۱۳۷۹، ش ۱۷، صص ۴۵۴ - ۴۶۱.

۴. نرم‌افزار دانشنامه جامع نهج‌البلاغه، مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، ۱۳۸۰ و اسماعیل منصوری لاریجانی، مدیریت اسلامی، تهران، مجتمع شهید مطهری، ۱۳۶۹، صص ۱۱۹-۱۸۶.

۵. اصغر مشبکی، مطالعه تطبیقی اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، مندرج در نگرشی در مدیریت در اسلام، تهران، مرکز آموزش مدیریتی دولتی، ۱۳۷۲، صص ۱۵۶-۱۵۹.



## فصل دوم - چپستی کارآمدی و کارآیی

واژه کارآیی و اثربخشی از مفاهیم جدید در علم مدیریت و سیاست می‌باشد که این واژه در زبان فارسی مترادف واژه نفاذیه زبان عربی است و از مصدر ثلاثی مجرد نفاذ است که منظور امام علی (ع) از به‌کارگیری آن در حوزه مدیریت و حکمرانی اجتماعی به معنی کارآیی و اثربخشی است.

در دو اصطلاح کارآمدی و کارآیی تفاوت عمده‌ای وجود دارد. کارآمدی به معنی شایستگی و کاردانی در تأمین هدف و کارآیی شایستگی در مصرف منابع و بهره‌برداری بهینه از آن است. از این رو سیستمی کارآمد است که اهداف را به خوبی تأمین کند و سیستمی کارآیی دارد که از منابع به‌طور بهینه استفاده و از هدر رفتن آن پیشگیری کند. بنابراین کارآمدی و کارآیی ممکن است همزمان با هم و یا بدون حضور دیگری تحقق یابند.<sup>۱</sup>

امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر داشتن کارآیی را از شرایط لازم وزیران لایق می‌داند و می‌فرماید: «بدترین وزیران تو آنهاییند که برای جنایتکاران پیشین وزارت نموده و شریک جنایتشان بوده‌اند. پس نباید اینان از یاران نزدیک تو باشند، زیرا اینها همکار تبهکاران و برادرخوانده ظالمان‌اند. این درحالی است که تو می‌توانی به‌جای آنها افراد شایسته‌ای را که آگاهی و کارآیی لازم داشته و جرائم، گناهان و انحرافات پیشین را ندارند و با ستمگران و بزهکاران معاونت نکرده باشند، بیایی، اینها با خرج کمتری خدمت بهتری را انجام می‌دهند، با عواطف بیشتری با تو برخورد می‌کنند و به دیگران کمتر دل می‌بندند، پس اینان را برای جلسات محرمانه و محافل ویژه خود برگزین».<sup>۲</sup>

امام علی (ع) در اینجا کلمه «نفاذ» را به معنی کارآ و نفاذهم را به معنای کارآترین به‌کار برده است. پاره‌ای از تألیفاتی که در حوزه سیاسی و مدیریتی فراهم آمده این کلمه را کارآیی و کاردانی ترجمه کرده‌اند. در ترجمه‌های فارسی از کلماتی چون نفوذ، برندگی، کاربری، گذشت زمان ...، استفاده شده است.<sup>۳</sup>

امام علی (ع) مسئله عدالت و عدالت‌ورزی را که شرط اصلی کارآیی و افزایش آن در هر نظام سیاسی محسوب می‌شود؛ مایه اثربخشی و کارآیی عملکرد حکومت دانسته است.<sup>۴</sup>

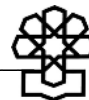
حضرت علی (ع) همواره بر شایسته‌سالاری و گزینش افراد لایق، توجه خاص داشته‌اند و همواره اصرار داشتند صالح‌ترین، بهترین، عالم‌ترین، قوی‌ترین و باکفایت‌ترین کارگزاران در رأس

۱. رک: علی‌رضائیان، مبانی سازمان مدیریت، ص ۱۹.

۲. نهج‌البلاغه، ترجمه و شرح سید علی‌نقی فیض‌الاسلام، تهران، ۱۳۵۱، نامه ۵۳، بند ۱۷، ص ۹۹۹.

۳. محمدتقی رهبر، درس‌هایی از نهج‌البلاغه، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۱۶۷ و منصوری لاریجانی، مدیریت اسلامی، ص ۱۰۲.

۴. هر کس عدل بورزد، حکمش نافذ و کارآ می‌گردد. خوانساری، شرح غررالحکم.



تدبیر و مدیریت جامعه اسلامی قرار گیرند.

امام (ع) در نامه‌های متعدد خود به مالک اشتر، گزینش فرماندهان، کاتبان و منشیان را منوط به سزاوارترین و بهترین افراد دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

و دیگر فرموده‌اند: «کسی سزاوار به خلافت است که بدان توانا تر باشد و در آن به فرمان خدا داناتر ... کار مردم و اصلاح آنها جز به شایستگی زمامداران سامان نمی‌یابد».<sup>۲</sup>

بنابراین کارآیی حکومت به معنی اثربخشی آن بر پایه ملاحظات مادی و معنوی است که حکومت باید بازدهی مادی در عرصه اقتصاد، سیاست و فرهنگ داشته باشد و در همین سطح در شرافت و ارتقای کرامت انسانی نقش مؤثری ایفا کند.

### فصل سوم - شاخص‌های کارآمدی و کارآیی

در ساختار حکومت سه بحث مشروعیت، کارآمدی و کارآیی تعاملات اساسی با یکدیگر دارند که موجب اقتدار ملی می‌شوند. شاخص مشروعیت مشارکت عمومی مردم است. شاخص کارآیی شایستگی، کاردانی، تجربه‌گرایی، مهارت، ساده‌زیستی و دیگر امور مشابه است. شاخص کارآمدی عدالت‌محوری، حفظ کرامت انسانی، تأمین سعادت انسان و ... است. نکته مهم برقراری تعامل منطقی بین مشروعیت، کارآمدی و کارآیی حکومت است. بنابراین مدیر حکومتی هم باید مشارکت عمومی مردم را مورد توجه قرار دهد، هم کارآمدی حکومت را بیاید و هم باید در پی به‌دست آوردن کارآیی حکومت باشد، چون هر یک در چرخه حکومت ملازم یکدیگرند.

این نکته به خوبی در سازه‌های حکومتی علوی دیده شده و نوعی از تعامل منطقی برتر در چرخه حکومت به‌وجود آمده است. بنابراین در حکومت علوی زمانی که از کارآمدی حکومت سخن به میان می‌آید، در آن هر سه شاخص مفهومی ملاحظه می‌شوند.

دیدگاه‌های امام علی (ع) درخصوص کارآیی حکومت اسلامی را از دو منظر عام و خاص می‌توان مورد مطالعه و بررسی قرار داد. ایشان در عهدنامه مالک اشتر به اهداف عام و عالی حکومت اسلامی می‌پردازند و در مباحثی دیگر مقاصد فرعی حکومت را بیان می‌کنند. برای مثال در خطبه‌های ۱۳۱ و ۴۰ نهج‌البلاغه اهداف عام چنین بیان شده است.

امام علی (ع) احیای دین، حاکم ساختن شعائر و احکام و قوانین الهی، برچیدن آثار فتنه و فساد، استقرار صلاح، حمایت از بندگان مظلوم و محروم و اقامه حدود الهی را جزء اهداف عام

۱. خطبه ۱۷۲، ص ۵۵۸.

۲. جعفر شهیدی، نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶، ص ۲۴۸.



حکومت برشمرده‌اند.<sup>۱</sup>

امام علی (ع) در خطبه ۴۰ نهج‌البلاغه اهداف و مقاصد حکومت اسلامی را در چند محور بیان کرده که شاخص‌های کارآمدی و کارآیی از آن استخراج شده است:<sup>۲</sup>

۱. بسترسازی و تمهید حیات مادی و معنوی مؤمنان،
  ۲. تأمین حقوق شهروندان و در امان بودن غیرمؤمنان و تأمین حیات مادی ایشان،
  ۳. تأمین امنیت و استیفای حقوق مردم به‌ویژه مظلومان،
  ۴. به‌سامان نمودن نظام اقتصادی جهت اداره صحیح و توانمند جامعه و کشور.
- از دیگر اهداف و کارویژه‌های حکومت اسلامی در دیدگاه امام علی (ع) موارد ذیل است:
۱. تأمین سعادت مادی و معنوی و توجه به رشد و بالندگی مردم،
  ۲. احیای حقوق و اقامه حق و دفع باطل،
  ۳. تحقق عدالت و برابری،
  ۴. تأمین امنیت فرد و جمع،
  ۵. تحقق وحدت امت در پرتو حکومت رهبری الهی،
  ۶. تأمین رفاه عمومی در جامعه،
  ۷. حفظ کرامت انسانی،

۸. وصول به تعامل صحیح و مثبت بین حکومت و مردم و کسب حداکثر رضایت آنان.<sup>۳</sup> بنابراین میزان دستیابی به این اهداف و تحقق این کارویژه‌ها، تعیین‌کننده میزان کارآمدی و کارآیی حکومت اسلامی خواهد بود. ضمن اینکه پاره‌ای از این شاخص‌ها تلفیقی از کارآیی و کارآمدی حکومت هستند تا کارآمدی حکومت به مقیاس کارآیی آن سنجیده شود.

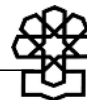
حضرت علی (ع) به‌طور مشخص تقسیماتی برای عنوان کارآمدی و کارآیی حکومت نداشته‌اند و اصولاً این شاخص‌ها و تقسیماتی که صورت گرفته است با تفسیر نهج‌البلاغه و تبیین مفهوم کارآمدی و فهم و دریافت ما از کلام ایشان است. شاخصه‌های کارآمدی حکومت از نظر امام علی (ع) امور ذیل است:

۱. عدالت،
۲. شایسته‌سالاری،
۳. تجربه‌گرایی،

۱. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱، صص ۴۰۶-۴۰۷.

۲. همان، خطبه ۴۰، ص ۱۲۵.

۳. بهرام اخوان کاظمی، آرمان‌های حکومت در نهج‌البلاغه، حکومت اسلامی، ش ۱۷، ۱۳۷۹، صص ۱۲۹-۱۴۸.



۴. نظارت،
۵. قانون‌گرایی،
۶. امانتداری،
۷. الگو بودن،
۸. ساده‌زیستی و پرهیز از اسراف.

### شاخص اول - عدالت

اجرای عدالت مهمترین شاخصه حکومت اسلامی است، زیرا در پرتو اجرای عدالت هر چیز در جای خود قرار می‌گیرد و این به سود همگان است و زندگی مردمان به واسطه آن سامان می‌یابد.<sup>۱</sup> حق بر پا می‌شود<sup>۲</sup> و حیات احکام دین در گروی اجرای آن است<sup>۳</sup> و این خود مایه آرامش دل‌ها می‌شود.<sup>۴</sup>

در حکومت حضرت علی (ع) عدالت محوری شاخصه‌ای مهم در کشورداری است. ایشان در حکومت خود تحت هیچ شرایطی ذره‌ای از عدالت عدول نکردند و عدالت را فدای مصالح ننمودند، زیرا روش ایشان در استفاده از بیت‌المال و تقسیم برابر میان صاحبان حق، پرهیز از تبعیض در داوری، برخورد با متخلف - هر کس که باشد، به وجود آوردن فرصت شکایت از ظالم و رسیدگی به مظلومان و احقاق حق آنان، یکسان دیدن عرب و عجم در اعطای بیت‌المال، پرهیز از کمترین ستمی در حق ضعیف‌ترین افراد و طبقات جامعه، اجرای حدود الهی بدون اغماض درباره زورمندان و اشراف، برابر ساختن زندگی و سطح معیشت خویش با محرومان و فقیران جامعه و ...، همگی نمونه‌هایی از عدالت اجتماعی در حکومت علوی بوده است. از طرفی این جمله که «من عدل نفذ حکمه»، منشور حکومتی ایشان را بر پایه رعایت حق و عدل و مساوات و عدالت اجتماعی نشان می‌دهد.<sup>۵</sup> یعنی به‌کارگیری عدالت باعث افزایش کارآمدی و دوام حکومت و فقدان آن باعث ظلم در جامعه می‌شود.

از نظر امام علی (ع) «عدالت، رمز بقا و ترقی نظام سیاسی و ضامن ثبات و امنیت و منافی خشونت بیجا در تعامل حکومت و مردم است».<sup>۶</sup> اصولاً امام علی (ع) رابطه بین مردم و حکومت را مبتنی بر رابطه محبت‌آمیز همراه با همکاری و تعاون و دفاع از این رابطه را مشروع می‌دانستند. این

۱. غررالحکم، ص ۱۶۵.

۲. همان، ص ۱۰۳.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. شیخ صدوق، علل الشرایع، ص ۲۴۸.

۵. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶.

۶. بهرام اخوان کاظمی، امام علی (ع) عدالت و خشونت، کتاب نقد، ش ۱۴ و ۱۵، ۱۳۷۹، صص ۶۶ - ۸۸.



نوع از عدالت با قدرت و اقتدار مشروع پیوند نزدیکی دارد، یعنی عدالت نگهبان و مراقب مشروعیت قدرت است و از سوی دیگر قدرت پاسبان و حافظ عدالت می‌باشد.

امام علی (ع) در مورد عدالت فرمودند: «همواره دادگستر باش و از خشونت، سخت‌گیری نابجا و ستمگری بر مردم بپرهیز، چرا که سخت‌گیری موجب فرار مردم از حاکم می‌شود و ظلم و ستم، مردم را به قیام علیه او فرا می‌خواند»<sup>۱</sup>.

### ۱. تعریف عدالت

از منظر امام علی (ع) باید عینی و ملموس باشد و هر چیز در جای خود مانند عدالت اجتماعی، متعادل بودن، نفی هرگونه تبعیض، رعایت حقوق تمامی افراد، همسانی آن با عقل عملی، تقوای الهی، الهی بودن مبانی و منابع عدالت حائز اهمیت است. حال به همه این مباحث در ذیل پرداخته می‌شود:

### ۲. عدالت عینی و ملموس

از نظر امام (ع) عدالت باید عینی و ملموس و قابل درک باشد. امام علی (ع) در نامه‌ای می‌نویسد: «کسانی که در حکومت من بسر می‌برند و سپس به امویان پیوستند. عدل را دیدند و شنیدند و با جان خود یافتند ولی آن را نپذیرفتند»<sup>۲</sup> یعنی حکومت دادگر می‌تواند با نشان دادن مصداق‌هایی آن را به مردم نشان دهد، در دوره حکومت حضرت علی (ع) تمامی مردم حتی مخالفانش عدالت را چشیدند و فهمیدند، گرچه تاب نیاوردند.

### هر چیز در جای خودش (وضع الشيء فی موضعه)<sup>۳</sup>

وقتی از امام علی (ع) سؤال شد که بین عدل و جود (بخشش) کدام برتر است، امام (ع) پاسخ دادند: «عدل، امور را به جای خود می‌نهد، اما جود امور را از جهت اصلی خارج می‌کند. عدل، سیاستگری و فراگیر همگان است و سائس (سیاستدان، مرد سیاست و سیاست‌کننده) و اداره‌کننده عموم است. اثر جود، محدود و عارضه‌ای و استثنایی است. بنابراین عدل؛ شریف‌تر و با فضیلت‌تر است»<sup>۴</sup>.

### ۳. اهمیت عدالت اجتماعی

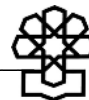
ویژگی اجتماعی عدالت در برتری آن نسبت به جوانب اخلاقی در حوزه فضایل فردی است. به عبارت دیگر، علت شهادت حضرت علی (ع) عدالت‌خواهی اجتماعی او بود و این علاوه‌بر عادل بودن از جنبه فردی نیز اهمیت دارد. به همین خاطر اگر عدالت را به‌عنوان فضیلت اخلاقی شخصی در نظر بگیریم جود در آن مرجح است ولی به‌خاطر اهمیت اجتماع، عدالت اجتماعی بر جود ترجیح و

۱. فیض‌الاسلام، قصارالحکم، ۴۶۸، ص ۱۳۰۴.

۲. نهج‌البلاغه، نامه ۷۰، ص ۱۴۷.

۳. همان، حکمت ۴۳۷.

۴. همان، کلمات قصار، کلمه ۴۲۹، ص ۱۲۹۰.



برتری دارد.<sup>۱</sup>

از نظر امام علی (ع) «هیچ چیز مانند عدل، باعث آبادانی شهرها نمی‌شود». <sup>۲</sup> امام باقر (ع) می‌فرماید: «پیامبر اکرم (ص) آنچه را در جاهلیت بود از میان برد و با عدالت به سوی مردم روی آورد». <sup>۳</sup>

نتیجه بد فرجام ظلم از نظر امام علی (ع) را در یک جمله می‌توان بیان کرد که «جور و ستم موکند است». <sup>۴</sup>

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«عدالت را جاری نمی‌کند، مگر کسی که عدل را نیکو می‌شمارد». <sup>۵</sup>

یعنی کسی که چنین اعتقادی نداشته باشد، حضورش در نظام اسلامی و انگیزه‌اش از پذیرفتن مسئولیت، یا رسیدن به ریاست است و یا رفاه مادی و بنابراین از او انتظار تحقق عدالت نمی‌رود.

#### ۴. عدالت موزون و متعادل

از نظر امام علی (ع) وقتی هر چیزی در جای خودش قرار گیرد تعادل جامعه ایجاد می‌گردد و باعث تعادل اجتماعی و آرامش در بین اقشار جامعه می‌شود.

امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر با بیان سلسله‌مراتب اقشار اجتماعی و شرح روابط این قشرها، تعیین سهم و جایگاه هر قشر را توسط خدا متعین دانسته است. <sup>۶</sup> ایشان عدالت را فضیلت چهارم اخلاقی معرفی می‌کند که اساس آن در اعتدال قوای نفسانی است. <sup>۷</sup>

#### ۵. رعایت حقوق افراد

یکی از مهمترین وظایف حکومت دینی رسیدگی به حق مستضعفان و محرومان جامعه است. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «عدالت، ترازوی خداوند است که برای بندگان نهاد و برای اقامه حق آن را نصب کرد. خداوند را در ترازویش نافرمانی نکنید و با سلطنت او معارضه نکنید». <sup>۸</sup>

و در جایی دیگر می‌فرماید: «ذلیل نزد من عزیز و قوی است تا حق را برایش بستانم و قوی نزد من ضعیف است تا حق را از او بگیرم». <sup>۹</sup>

۱. مرتضی مطهری، بیست گفتار، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ششم، ۱۳۶۱، صص ۱۱ و ۱۲.

۲. محمدبن عبدالواحد التیمی الآمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۰۷.

۳. محمدرضا حکیمی، الحیاه، ج ۶، ص ۳۵۹.

۴. آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۶۵.

۵. محمد کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۴۲.

۶. نهج البلاغه، نامه ۵۳، بند ۲۵، ص ۳۱۰۰۲.

۷. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۸۱.

۸. جمال‌الدین محمد خوانساری، شرح غررالحکم، جلد ۱، دانشگاه تهران، ۱۳۶۰، ش ۸۸، ص ۲۲۲.

۹. فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۳۷، بند ۳، ص ۱۲۱.



امام علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر درباره لزوم رسیدگی به حق مستضعفان می‌فرماید: «پس خدا را، خدا را در نظر بگیرد درباره طبقه فرودست جامعه اسلامی، آنان که راه چاره ندارند و از درویشان، نیازمندان، بینوایان و بر جای ماندگانی که در این طبقه مستمندی است خواهند و مستحق عطایی است به روی خود نیاورند.<sup>۱</sup> زیرا توده مردم وقتی به حقوق طبیعی و اسلامی خود دست یابند پشتوانه حکومت خواهند شد و اگر آرمان‌های اقشار آسیب‌پذیر جامعه که بیشترین جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند محقق نشود، حکومت در زمان‌های بحران نمی‌تواند از آنها انتظار حمایت داشته باشد.

ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «به هوش باشید! قسم به آنکه دانه را شکافت و بادهای رحمت را وزاند که اگر این جمعیت حضور نداشت و حجتی بر وجود یاور وجود نداشت و خداوند از عالمان پیمان نگرفته بود که بر سیری ظالمان و گرسنگی مظلوم سکوت ننمایند و بی‌تفاوت نباشند، مهار شتر خلافت و حکومت را بر کوهانش فرو می‌نهدم و آخرین شتر این کاروان را از اولین جام آن سیراب می‌کردم تا این واقعیت را به وضوح دریابید که دنیای شما در چشم من از ترشح عطسه ماده بزی هم کم ارج‌تر است.<sup>۲</sup>

امام علی (ع) هدف از تشکیل حکومت خود را چنین می‌فرماید: «خدایا! تو خوب می‌دانی که آنچه از سوی ما بود و از ما سرزد برای رقابت و کشمکش در قدرت و ریاست یا برای دستیابی به اموال ناچیز دنیا نبود، بلکه برای آن بود که اصول روشن دین ترا برگردانیم و در سرزمین تو اصلاح پدید آوریم، تا در نتیجه آن بندگان ستم‌دیده‌ها امنیت یابند و حدود تعطیل شده تو اجرا گردد».<sup>۳</sup>

حضرت امیرمؤمنان (ع) دلیل پذیرش حکومت را احیای حق و مبارزه با باطل اعلام داشته‌اند. عبدالله بن عباس پسر عموی ایشان می‌گوید (نقل می‌کند): به محضر آن حضرت رفتم. دیدم آن حضرت مشغول وصله کردن کفش خود است. ایشان به من فرمود: ای پسر عموا! این کفش چقدر ارزش دارد؟ عرض داشتم قیمتی ندارد. آن حضرت فرمود: سوگند به خدای تبارک و تعالی همین کفش بی‌ارزش برای من از ریاست بر شما و زمامداری دوست داشتنی‌تر است، مگر اینکه بتوانم به وسیله این حکومت حقی را زنده کرده و باطلی را از میان بردارم.<sup>۴</sup>

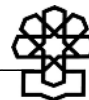
در موردی دیگر آن حضرت خطاب به مردم درباره سابقه خود در راه حق فرمود: «سوگند به خدا من در عصر پیامبر (ص) همراه لشکر اسلام بودم و آنها را هدایت می‌کردم تا آنکه باطل به کلی

۱. همان، نامه ۵۲.

۲. همان، خطبه ۳.

۳. همان، خطبه ۱۳۱.

۴. شاخصه‌های حکومت علوی چیست؟ نشریه اسوه، شماره ۵۲.



عقب‌نشینی کرد و حق برای مردم آشکار گردید. در آن راه هرگز اظهار ضعف نکردم و اکنون نیز همین هدف را پی می‌گیرم»<sup>۱</sup>.

در جای دیگر حضرت درباره حق‌مداری پیامبر اکرم (ص) فرمود: «آن حضرت - پیامبر (ص) - یاور و مددکار حق بود و با حق، صاحب حق را کمک می‌کرد، اما نه به هر روش یا شیوه‌ای، بلکه به وسیله حق و حق را آشکار می‌ساخت»<sup>۲</sup>.

### ۶. رفع تبعیض و رعایت استحقاق‌ها

افراد در استحقاق‌های برابر مساوی هستند و چون استحقاق‌های افراد مختلف است، بنابراین وجود اصل تفاوت میان افراد واقعی مسلم می‌باشد.

امام (ع) درباره تفاوت‌های افراد می‌فرماید: «خداوند به حکمت خود بین همت‌ها و خواسته‌های مردم و سایر حالاتشان تفاوت ایجاد کرد و این اختلاف‌ها را وسیله برپایی زندگی مردم قرار داد»<sup>۳</sup>. ایشان در مورد نفی هر گونه تبعیض و رعایت مساوات و برابری نیز می‌فرمایند: «در برابر مردمی که در حوزه مسئولیت تو هستند فروتن و با آنان گشاده‌رو و ملایم باش و موضعی نرم و انعطاف‌پذیر برگزین. مساوات را حتی در گردش چشم و نگاه و سلام و تعارف رعایت کن تا بزرگان و صاحب نفوذان، برای تجاوز بر تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت نومید نشوند»<sup>۴</sup>.

برای امام علی (ع) این نکته اهمیت داشت که گسترش جامعه و فعالیت‌های اقتصادی باعث آسیب رسیدن و فشار اقتصادی به عده‌ای نشود که این خود عامل بروز مشکلات فرهنگی و اعتقادی آنان شود. امام علی (ع) در این‌خصوص به تمامی افراد جامعه اعم از مسلمان و غیرمسلمان اهمیت می‌دادند. در تاریخ آمده است: حضرت روزی در بازار قدم می‌زدند. پیرمردی را مشغول تکدیگری می‌بینند. می‌پرسند که چرا این پیرمرد گدایی می‌کند به او گفتند او یک پیرمرد یهودی است. گفتند: وای بر شما! اینکه پیرمرد یهودی است، آیا عضو جامعه اسلامی شما هست یا نیست؟ آن هنگام که جوان بود از او کار کشیدید، حالا که پیرمرد شده است باید این‌گونه خوار و ذلیل در کنار بنشیند و برای روزی روزمره خود که حق هر انسانی است، دست نیاز و خواری به سمت دیگران دراز کند؟ همانجا امام (ع) دستور دادند برای او مقرری از بیت‌المال تعیین کنند. نظیر این قضیه برای یک مسیحی هم اتفاق افتاد. امام (ع) فرمود: در حکومت من نباید حتی یک مسیحی گدایی کند، او را از بیت‌المال تأمین کنید»<sup>۵</sup>.

۱. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۳۲.

۲. همان، خطبه ۱۹۶.

۳. محمدبن‌الحسن الحر العاملی، وسائل‌الشیعه الی‌التحصیل‌المسائل‌الشرعیه، ج ۱۳، قم، مؤسسه آل‌بیت، ۱۴۰۹ق، ص ۲۲۴.

۴. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۴۶، بند ۲، ص ۹۷۶.

۵. شیخ حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲، ص ۴۲۵.



در سخنی دیگر امام علی (ع) به محمد بن حنفیه فرموده است: «من برای تو از فقر بیمناکم. از آن به خدای پناه بر، زیرا فقر و تنگدستی موجب کاستی در دین و سرگردان شدن عقل و باعث دشمنی کردن است»<sup>۱</sup>.

از امام علی (ع) است که فرمود: «فقر مرگ بزرگ است»<sup>۲</sup> و یا «فقر بدتر و دشوارتر از گور است»<sup>۳</sup> پیامبر اکرم (ص) به ابوذر می‌فرماید: «فقر در توده‌های مردم به واقع دیوار به دیوار کفر است. اگر فقر از دری بیاید، ایمان در معرض خطر قرار گیرد و چه بسا از در دیگر بیرون برود»<sup>۴</sup>.

### یکسانی عدالت با عقل

امام علی (ع) تعریفی از عاقل و عادل ارائه دادند که با یکدیگر منطبق است. امام علی (ع) در وصف عاقل فرمودند: «عاقل کسی است که هر چیز را در جای خود بنهد» وقتی از امام پرسیدند: جاهل کیست، فرمود: همان که گفتم. یعنی عدل مورد نظر امام علی (ع) عین عقل و خرد عملی می‌باشد.<sup>۵</sup> از این مفهوم دانسته می‌شود که بین عدالت و عقلانیت تعارضی وجود ندارد و آنها سازگاری با یکدیگر دارند و در مواردی هم قابل جمع خواهند بود.

### ۷. عدالت به معنی تقوای الهی

تقوا به معنی انجام واجبات و ترک محرمات است. امام علی (ع) متقی را چنین وصف می‌فرماید: «انسان با تقوا، نفس خویش را به عدل ملتزم ساخته، نخستین گام عدالت وی این است که هوای نفس را طرد و نفی می‌کند»<sup>۶</sup>. این فرد عادل است، چون تقوا پیشه کرده است.

### ۸. الهی بودن منشأ عدالت

از نظر امام علی (ع) منشأ و سرچشمه عدالت، در پرتو ایمان به خداوند است و دیگر فروع از این اصل نشئت می‌گیرند.<sup>۷</sup> از نظر امام (ع) قرآن منبع عدالت و عدل مایه زینت<sup>۸</sup> و در رأس ایمان است.<sup>۹</sup> از نظر امام علی (ع) عدالت سرچشمه الهی است و در ایمان ریشه دارد، پس عدالت اخلاقی پایه و اساس عدالت سیاسی و اجتماعی است. یعنی برای داشتن یک جامعه متعادل و استقرار عدالت در آن باید انسان‌هایی با ایمان و اخلاق و خداترس زمام امور را به دست گیرند تا عدالت استقرار یابد.

۱. فیض الاسلام، نهج البلاغه، حکمت ۳۱۱.

۲. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۱۶۳.

۳. غررالحکم، ج ۱، ص ۱۰۶.

۴. علامه محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲.

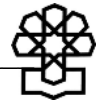
۵. فیض الاسلام، نهج البلاغه، حکمت، ۲۳۵، ص ۱۷۱.

۶. همان، خطبه ۸۶، صص ۲۱۰-۲۱۱.

۷. عبدالمجید معادیخواه، فرهنگ تفضیلی مفاهیم نهج البلاغه، ج ۷، تهران، نشر ذره، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۳۶۰۴ و بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۸۰.

۸. فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶، ص ۵۴۴ و خطبه ۸۶، صص ۲۱۰-۲۱۱.

۹. محمد محمدی‌شهری، میزان‌الحکمه، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲ش، ص ۸۱.



عدالت در فطرت انسان ریشه دارد. این مفهوم از عدالت تمام ابعاد زندگی اجتماعی انسان را در بر گرفته است. زیرا عدالت اجتماعی مفهوم گسترده‌ای دارد که ابعاد روحی، جسمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی و ... را شامل می‌شود.<sup>۱</sup> یعنی آنچه باعث دوام و بقای حکومت‌ها می‌شود، عدالت‌گستری است که به معنای از بین بردن فقر و تبعیض در جامعه و ایجاد رشد و کمال انسان در امور مادی و معنوی است.

از طرفی هستی نیز براساس عدل بنیان نهاده شده و بر اصل عدل آسمان‌ها و زمین بر پا شده است.<sup>۲</sup> حضرت علی (ع) در این باره فرموده‌اند «عدل پایه و ستونی است که هستی بدان پابرجا و استوار است».<sup>۳</sup> پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هیچ امری در میان بندگان خدا جز اجرای عدل و احسان نیست».<sup>۴</sup> امام علی (ع) فرمودند: «عدالت دلپذیر و عامل الفت است».<sup>۵</sup>

### شاخص دوم - شایسته‌سالاری

شایستگی به دو صورت نظری و عملی است. این ویژگی موجب پیدایی لیاقت، مسئولیت‌پذیری و تکلیف‌مداری می‌شود. بنابراین برتری حاکم معطوف به این ویژگی‌هاست. از طرفی شایسته‌سالاری و معیار انتخاب افراد برای کسب مسئولیت و اداره جامعه در سه بخش بیان می‌شود: یکی شایسته‌سالاری در قرآن کریم، دیگر شایسته‌سالاری در سنت و روش پیامبر اکرم (ص) و سوم شایسته‌سالاری در سیره و الگوی امیرمؤمنان علی (ع) با این بیان لیاقت‌مداری یا شایسته‌سالاری اصل اساسی در گزینش افراد است. پس در انتخاب و گزینش افراد علاوه‌بر برخورداری آنان از فضایل برجسته فردی باید تعهد و تخصص نیز معیار باشد.<sup>۶</sup>

### شایسته‌سالاری در قرآن مجید

در قرآن مجید آمده است زمانی که حضرت یوسف (ع) از زندان آزاد شد. عزیز مصر خواست به ایشان مسئولیتی بدهد. حضرت یوسف (ع) گفت: «مرا سرپرست خزائن مصر قرار ده که نگاه‌دارنده و آگاهم».<sup>۷</sup> چون آن بزرگوار اوضاع اقتصادی مصر را به خوبی می‌دانست و توانایی اداره کشور را داشت و از جهتی در این زمینه امانت‌دار و تخصص و آگاهی داشت این مسئولیت را پذیرفت.

۱. شاخصه‌های عدالت‌گستری در حکومت دینی، مجله حکومت اسلامی، ش ۸۱، مرداد، شهریور ۱۳۸۵.

۲. ابی‌القاسم حسین بن محمد بن المفضل راغب اصفهانی، مفردات فی غریب‌القرآن، بیروت، دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۲۵ و ص ۴۰۳.

۳. علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۸۳.

۴. عبدعلی بن جمعة العروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۷۸.

۵. محمد بن عبدالواحد التیمی الامدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۱.

۶. شایسته‌سالاری در سیره امام علی (ع)، مجله حکومت اسلامی، ش ۲۰۴، آذر ۱۳۷۷.

۷. سوره یوسف، آیه ۵۵.



نمونه دیگری که در قرآن بدان اشاره شده این است زمانی که قوم بنی اسرائیل از پیامبر زمان خود یعنی اشموئیل درخواست معرفی شخصی به عنوان فرمانده برای هدایت آنان جهت مبارزه با ستمگران کردند. آن پیامبر پس از عرضه درخواست قوم خود به خداوند گفت: خداوند طالوت را به عنوان فرمانده برگزیده است. بنی اسرائیل به دلیل اینکه مسائل مادی برای آنان پراهمیت بود در مقابل این انتصاب اعتراض کردند و گفتند: «چگونه او بر ما حکومت داشته باشد با اینکه ما از او شایسته‌تریم و او ثروت زیادی ندارد»<sup>۱</sup>.

پیامبر در جواب آنان فرمود به این دلیل او فرمانده معرفی شده است که خداوند او را بر شما برگزیده و علم و قدرت جسمی به او داده است.<sup>۲</sup> نتیجه‌ای که از این انتصاب گرفته می‌شود این است که فرمانده نظامی باید دارای دو ویژگی مهم باشد: یکی آگاهی به فنون و روش‌های نظامی و دیگری داشتن توانایی جسمی که طالوت هر دوی این مشخصات را داشته است.

در قرآن عظیم‌الشان آمده است زمانی که حضرت موسی (ع) از سرزمین مصر به سمت مدین رفت و به دلیل خدمتی که به دختران شعیب (ع) کرد یکی از دختران او به پدرش پیشنهاد کرد که «پدرم او را اجیر کن چرا که بهترین کسی که به این کار می‌آید قوی و امین است». این دختر در گزینش حضرت موسی (ع) بر لیاقت او تأکید داشت و در ایشان دو ویژگی حائز اهمیت دید. یکی توانایی جسمی - او چون به تنهایی دلو سنگین را از چاه بیرون کشید - و دیگر اینکه او امانت‌دار بوده است، زیرا در راه خانه حضرت شعیب (ع) حاضر نشد که دختر جوان پیش از او راه برود، چرا که ممکن بود باد لباس او را جابجا کند او به دختر شعیب (ع) گفت من جلو حرکت می‌کنم و تو پشت سر من حرکت کن.<sup>۳</sup>

### شایسته‌سالاری در سیره و روش پیامبر اکرم (ص)

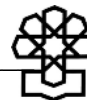
پیامبر اسلام (ص) علاوه بر ایمان و تعهد بر لیاقت افراد هم تأکید داشتند. در تاریخ آمده است: روزی ابوذر از اصحاب بزرگوار حضرت به ایشان عرض کرد، آیا مرا به مسئولیتی نمی‌گماری؟ پیامبر (ص) دستی بر شانه ابوذر زد و فرمود: ابوذر تو را دوست می‌دارم و هر آنچه را که برای خود می‌پسندم برایت نیز می‌خواهم، لکن مسئولیت‌ها امانت است و اگر انسان درست از عهده آن بر نیاید مایه خواری و پشیمانی در قیامت می‌باشد. من تو را در مدیریت ضعیف می‌بینم. بنابراین هیچ‌گاه امارت حتی بر دو نفر را نپذیر و ولایت بر مال یتیم را برعهده مگیر.<sup>۴</sup>

۱. سوره بقره، آیه ۲۴۷.

۲. سوره بقره، آیه ۲۴۷.

۳. سوره قصص، آیه ۲۶.

۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، انتشارات بی‌تا، ج ۲۲، ص ۴۰۶ و صحیح مسلم، ابی‌الحسین مسلم بن حجاج قشیری، بیروت، انتشارات دارالکتب‌العربی، مؤسسه عزالدین، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۱۴۵۷۰.



این درحالی است که پیامبر (ص) بارها ابوذر را به دلیل داشتن بهترین خصایص ستوده بود، پس منظور پیامبر (ص) ارزش ننهادن به ابوذر نبود، بلکه این درس بزرگی بود که در نزد پیامبر (ص) شایسته سالاری به حدی مهم است که حتی درباره شخصیتی چون ابوذر نیز در دادن مسئولیت به وی امتناع می‌کند، زیرا که توان انجام آن را در او نمی‌بیند. در جایی دیگر درباره سیره حضرت رسول (ص) می‌بینیم که وقتی حضرت عازم نبرد حنین شد عتاب بن اسید که جوانی بیست و یک ساله بود را به فرمانداری مکه برگزید و به او فرمود: «اگر برای اداره مکه بهتر از تو کسی را می‌شناختم او را بر می‌گزیدم و وقتی این انتصاب مورد اعتراض عده‌ای قرار گرفت، حضرت در پاسخ به آنان فرمودند: «نباید هیچ یک از شما به خاطر کمی سن او مخالفت کنید، زیرا که هر که سن بیشتری دارد برتر نیست، بلکه هر آن کسی که برتر است او بزرگتر است»<sup>۱</sup>.

پیامبر اکرم (ص) سه ویژگی را برای گزینش رهبر و امامت امت بیان می‌کند، ایشان فرمودند: رهبری و امامت امت صالح نیست، مگر برای کسی که از سه ویژگی برخوردار باشد:

۱. پارسایی که او را از معصیت باز دارد،

۲. بردباری که بتواند با آن خشمش را کنترل کند،

۳. مدیریت نیکو بر مجموعه زیر پوشش مدیریتش داشته باشد تا برای آنان همانند پدری مهربان باشد.<sup>۲</sup>

در سیره پیامبر (ص) آمده که فرمودند: «هر کس خود را بر گروهی از مسلمانان مقدم کند درحالی که ببیند میان آنها افراد شایسته‌تری وجود دارد به خدا و پیامبر و مسلمانان خیانت کرده است»<sup>۳</sup>. حتی پیامبر (ص) «جزئی‌ترین امور کار را به کاردان و اهل فن می‌سپارند»<sup>۴</sup>.

در تاریخ آمده است که مسلمانی بیمار شد بعضی از صحابه پیامبر (ص) درخواست کردند که پیامبر (ص) از طریق اعجاز او را درمان کند، ولی پیامبر (ص) در صورتی که می‌توانستند این کار را انجام دهند فرمودند: بروید حارث بن کله را که شخص درس‌خوانده‌ای است برای معالجه بیاورید. با این عمل ایشان همگان را به نگاه‌داشتن حرمت علم و سپردن امور به افراد ذیصلاح و اهل فن آگاه نمودند.<sup>۵</sup>

۱. محمدتقی سپهر، ناسخ‌التواریخ، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۳ شمسی، ص ۳۸۷ و اسدالغایه، عزالدین بن‌الاثیر، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۳۵۸۰.

۲. محمد کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۳.

۳. زین‌العابدین قربانی، عوامل همکاری و اعتقاد بین مردم و حکومت از دیدگاه نهج‌البلاغه، یادنامه دومین کنگره نهج‌البلاغه، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۶۳، ص ۹۳ و عبدالحسین امینی، الغدیر، دارالکتب‌العربی، بیروت، ج ۸، ص ۲۹۱ و احمد بیهقی، سنن کبری، بیروت، دارالفکر، ج ۱۰، ص ۱۱۸۰.

۴. محمدرضا حکیمی و... الحیاه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۱۵ و سنن بیهقی، ج ۱۰، ص ۱۱.

۵. اصغر مشبکی، نگرشی بر مدیریت در اسلام، پیشین، ص ۴۵.



## شایسته‌سالاری علوی

یکی از مهمترین مسائل جامعه و حکومت اسلامی اجرای عدالت، عدم پیروی از تمایلات و احساسات شخصی و عدم تبعیض و باندبازی است. چون رعایت عدالت اسلامی مستلزم تقسیم مناسب در مناصب و پست‌های حکومتی می‌شود که باید با توجه به فضائل انسانی و اسلامی و لیاقت افراد به آنها داده شود.<sup>۱</sup>

حضرت علی (ع) در حرف (زبان) و در عمل تأکید فراوانی بر شایسته‌سالاری داشتند. ایشان همیشه افراد شایسته و صالح را برای فرمانداری و حکومت بر نقاط مختلف کشور و در مسائل گوناگون انتخاب می‌کردند. از نظر امام علی (ع) معیارهای گزینش مدیران شایسته حکمت و مدیریت، تدبیر و تفکر، شجاعت و قاطعیت، تقوا و پارسایی، عفت و سلامتی نفس، کفایت و جامعیت، حسن سابقه و سلامت خانوادگی است.

حضرت رسول (ص) در زمینه معیار انتخاب رهبر می‌فرمایند: «ای مردم همانا سزاوارترین مردم به امر خلافت و رهبری امت تواناترین بر اداره آن و داناترین به فرمان خداوند در فهم مسائل است».<sup>۲</sup> از این سخن می‌توان فهمید که از پایین‌تر و بالاترین مناصب و مسئولیت‌ها باید براساس شایستگی و لیاقت افراد باشد. در جایی دیگر ایشان می‌فرمایند: «زمامدار لایق کسی است که در تقسیم مسئولیت‌ها و پست‌ها میان افراد جز اجرای عدالت و دادن حق به حقدار، به چیزی دیگر فکر نکند و جز با دقت و تأمل در خصوصیات افراد و امتحان و آزمایش آنها کسی را به کارگزاری دولت نگمارد».<sup>۳</sup> حضرت از مالک اشتر و تمامی زمامداران حکومت اسلامی می‌خواهد که در تعیین کارگزاران و صاحب‌منصبان دولت تنها ملاک‌های اسلامی را لحاظ کنند و هرگز بر پایه تمایلات شخصی و یا ترس و یا تأثیرپذیری از دیگران کسی را به کاری نگمارد.<sup>۴</sup> در جایی دیگر حضرت فرمودند: «احساسات و عواقب و یا روابط خصوصی و باندبازی را در این امور دخالت ندهد که نوعی ستمگری و خیانت است».<sup>۵</sup>

حضرت در سخنی فرمودند: «آن کسی که درست از عهده اداره امور برآید شایستگی رهبری بر امت را دارد»<sup>۶</sup> و جمله معروف آن حضرت است که فرمودند: «وضع کل شی فی موضعه».<sup>۷</sup> ایشان دلایل خود درباره انتخاب و گزینش مالک اشتر را چنین فرمود: «اما بعد یکی از بندگان

۱. اهرم‌های نظارتی بر کارگزاران در حکومت علوی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ش ۲۷۳، شهریور ۱۴۸۳.

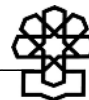
۲. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۳.

۳. همان، نامه ۵۲، ص ۵۶۶.

۴. همان.

۵. همان.

۶. عبدالواحدین محمد التیمی الامدی، غررالحکم و دررالکلم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ش، ص ۳۴۱، حدیث ۷۷۹۰.



خداوند را به سوی شما فرستادم که به هنگام خوف خواب به چشم راه نمی‌دهد، در ساعات ترس و وحشت از دشمن هراس ندارد، نسبت به بدکاران از شعله آتش سوزنده‌تر است. او مالک فرزندان حارث از قبیله مذحج است»<sup>۱</sup>.

حضرت علی (ع) درباره عزل و نصب‌ها توانایی افراد را در نظر می‌گرفت. برای مثال وقتی امام علی (ع) دیدند محمد بن ابی‌بکر که استاندار ایشان در مصر بود و توانایی لازم را در مقابله با معاویه و عمرو عاص نداشت، عزل نمود و به جای او مالک اشتر که فرد مقتدری بود را گذاشتند. وقتی امام (ع) شنیدند محمد بن ابی‌بکر از رفتار حضرت ناراحت شده است، نامه‌ای را برای او نوشت و دلیل عزل و نصب را چنین فرمود: «اما به من خبر رسیده است که از فرستادن اشتر به سوی مسئولیت مصر ناراحت شده‌ای، ولی این را من نه به این جهت انجام دادم که تو در تلاش و کوشش کندی ورزیده‌ای و یا برای این باشد که جدیت بیشتری به خرج دهی اگر آنچه در اختیارت قرار دادم از تو گرفتم ترا والی جایی قرار دادم که در دسر کمتری داشته و حکومت آن برای تو خوشایندتر است»<sup>۲</sup>.

این برخورد امیر مؤمنان علی (ع) گویای سه نکته اساسی است،

**اول:** مسئولان حکومت باید اصل را مصلحت نظام قرار دهند و بر اساس ملاحظات شخصی با افراد عمل نکنند، زیرا مصلحت نظام مهم‌تر از هر چیز دیگر است.

**دوم:** امام حریم خدمتگزاران را حفظ می‌کند و اگر کسی به دلیل ناتوانی در اداره امور کنار گذاشته می‌شود نباید به او هتک حرمت شود و حریمش شکسته شود، بلکه باید از زحمات یک فرد (کارگزار) برکنار شده تجلیل کرد.

**سوم:** باید از تجربیات مدیر برکنار شده در کارها و مسئولیت‌های آسان‌تر استفاده شود.

در دادن مسئولیت‌ها نباید روابط شخصی اعمال شود. حضرت علی (ع) وقتی حکومت یمن را به طلحه و حکومت بحرین را به زبیر داد وقتی ایشان حکم را به آنان دادند آنان در حق امام علی (ع) دعا کردند و گفتند: خدا به تو خیر دهد که صله رحم را انجام دادی. امام (ع) حکم را از دستشان گرفت و پاره کرد و فرمود حکومت را چه به صله رحم و سپس به ایشان فرمودند: «کسی که حکومت را طعمه تلقی کرده از نظر من شایسته حکومت نیست»<sup>۳</sup>. سپس در ادامه فرمودند:

«من شما را نه برای صله رحم که برای انجام امور مسلمین به کار گماشتم و اگر حرص شما را

بر حکومت نمی‌دیدم رأی و نظر دیگری داشتم»<sup>۴</sup>.

۱. فیض الاسلام، نهج البلاغه، نامه ۳۸.

۲. همان، خطبه ۶۸، نامه ۳۴.

۳. ابوالحسن احمد بن یحیی بلاذری، النساب الاشراف، ج ۲، ص ۷۷.

۴. احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، دارصادر، بیروت، ج ۲، ص ۱۸۰.



در اعطای مسئولیت‌ها باید فرد مسئول، تعهد، تخصص، قدرت مدیریت و توانمند باشد و نباید دچار افراط و تفریط شد.<sup>۱</sup>

یکی از تعابیر حضرت علی (ع) درباره عدالت این است که هر چیزی باید در جای بایسته‌اش باشد. بنابراین در مسند حکومت کارگزاران باید افرادی صاحب صلاحیت یعنی دارای تقوا، دانش و توانایی باشند، زیرا آنان در کسوت مدیریت باید در هر کاری لیاقت و استعداد داشته باشند. بنابراین عدالت ایجاب می‌کند تواناترین، باورع‌ترین و بادانش‌ترین فرد، در کسب موقعیت‌ها و مراتب عالی از سایرین اولی باشد.<sup>۲</sup>

در تعالیم اسلامی و علوی کارآمدی مدیر یکی از ملاک‌های مهم در مشروعیت مدیریت و حکومت است. از این رو مؤمنی که فقط شهروند خوبی است، ولی توانایی و مدیریت و کاردانی ندارد شایسته مدیریت نیست. بنابراین مدیری مشروعیت دارد که در رسیدگی به امور مردم، با کفایت و کاردان‌تر باشد.

حضرت امیر (ع) بحث ضرورت لیاقت و کاردانی و اصلحیت را از خود شروع کرد و با دلایل فراوان به اثبات شایستگی و سزاواری خود بر حکومت پرداخت. روایت است که حضرت علی (ع) در شورای شش نفری که عمر برای انتخاب خلیفه برگزار کرده بود می‌فرماید: «شما خود می‌دانید من از همه برای خلافت شایسته‌ترم. به خدا سوگند تا وقتی کار مسلمانان روبه‌راه باشد و تنها بر من جور و جفا شده باشد مخالفتی نخواهم کرد».<sup>۳</sup>

حضرت علی (ع) در نامه‌های متعدد خود به استاندارانش به‌وفور یادآور می‌شود افرادی را که به‌عنوان کاتب، قاضی و ... انتخاب می‌کنند باید براساس عدالت، توانایی و لیاقت آنان گزینش شده باشند و بهترین فردی که غیر از او دیگر وجود نداشته باشد. حضرت در این زمینه به مالک اشتر می‌فرماید: «در استخدام کارکنان و فرمانروایان شفاعت و ساطت کسی را مپذیر مگر شفاعت شایستگی و امانت‌داری آنان را»<sup>۴</sup> و در ادامه توضیح می‌دهند که کارمندان با آزمایش و امتحان و نه میل و استبداد به‌کار گمارده شوند و از میان آنها افرادی که باتجربه‌تر، پاک‌تر و پیشگام‌تر در اسلامند گزینش گردند.<sup>۵</sup> ایشان در تأکید رعایت ضوابط در گزینش کارمندان به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک در کارهای کارمندان دقت کن و آنها را پس از امتحان و آزمایش به‌کار بگمار،

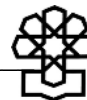
۱. شاخصه‌های حکومت امام علی (ع)، گفتگوی نشریه الثارات الحسین (ع) با آقای دکتر اسماعیلی، ش ۲۹۹.

۲. بهرام اخوان کاظمی، عدالت و خودکامی‌ستیزی در اندیشه سیاسی امام علی (ع)، مجله حکومت اسلامی، زمستان ۱۳۷۹، ش ۱۸، ص ۴۱۰.

۳. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۷۳، صص ۱۷۱-۱۷۲.

۴. محمد مهدی شمس‌الدین، نظام الحکم و الاداره فی‌الاسلام، بیروت، چاپ ۳، ۱۳۷۴ ق، ص ۳۰۱.

۵. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، بند ۴۳، ص ۱۰۱۱.



تصمیم تو نباید از روی بخشش و دلخواه و یا استبداد باشد، زیرا استبداد و تسلیم تمایلات شدن کانونی از کانون‌های جور و خیانت است.<sup>۱</sup> که در اندیشه و باور امام علی (ع) سزاوارترین کس به خلافت، قوی‌ترین مردم نسبت به آن و داناترین به فرمان‌های خداست».<sup>۲</sup>

داشتن علم و آگاهی پیش‌شرط اساسی در کفایت و کاردانی مدیر و زمامدار جامعه اسلامی است. حضرت علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «پرچم زمامداری و مدیریت جامعه را جز افراد آگاه و بااستقامت و عالم به جایگاه حق به دوش نمی‌کشند».<sup>۳</sup> در این صورت باید از فرمان‌ها و دستورات آن مدیر اطاعت کرد و آنچه را امر می‌کند باید انجام داد و آنچه را نهی می‌کند باید ترک کرد.

امام علی (ع) در موارد مختلفی اوصاف و شرایط مسئولین کارآمد و با کفایت را تبیین و مشخص نموده‌اند.<sup>۴</sup> ایشان یکی از شرایط اساسی مسئولان کارآمد و با کفایت را آگاهی آنان در حوزه واجبات و محرمات الهی و نیازمندی‌ها و رفع مشکلات و احتیاجات آنان دانسته و فرموده‌اند «کارگزار جامعه اسلامی باید داناترین مردم به حلال و حرام خدا و احکام گوناگون و امر و نهی الهی و هر آنچه که مردم بدان نیازمندند، باشد».<sup>۵</sup> منظور ایشان این است که کارگزار باید علاوه بر داشتن تخصص‌های لازم از آموزه‌های دینی هم اطلاع داشته باشد تا کارآمدی در دو جنبه مادی و معنوی آن به وجود آید. امام علی (ع) به کارگزاران خود بر مشورت با افراد خبره و استفاده از آرای آنها تأکید می‌کند. برای مثال ایشان به محمد حنفیه می‌فرماید: «نظر اهل فکر و خرد را ضمیمه کن و سپس نزدیک‌ترین آنها به حقیقت و دورترین آنها را از شک و تردید انتخاب کن».<sup>۶</sup>

امام علی (ع) مذاکره و مشورت با اهل فن و دانشمندان را باعث توسعه عمران، آبادانی و اصلاح امور کشور می‌دانستند و زمامداران را به انجام مذاکرات تشویق می‌کردند و می‌فرمودند: «در تثبیت آنچه کار کشور بدان سامان می‌گیرد و در استوار ساختن آنچه امر مردم با آن پیش از این برپا بوده است بکوش و در این راستا بر میزان گفت‌و شنود و مباحثه با دانایان و همدمی با صاحبان حکمت بیفزای».<sup>۷</sup>

از نظر امام علی (ع) سازماندهی، تقسیم کار براساس تخصص فرد از ملزومات کاردانی و کارآمدی کارگزاران حکومت است و نادیده گرفتن این مسئله را باعث ناکارآمدی و از بین رفتن توانایی و بازده آن سازمان می‌داند. ایشان می‌فرمایند: «در رأس هر یک از امور و کارهایت

۱. همان، نامه ۵۳، فراز ۷۱.

۲. همان و خطبه ۱۷۲، ص ۵۵۸.

۳. همان، خطبه ۱۷۲، بند ۶، صص ۵۵۹-۵۶۰.

۴. محمد رحمانی، ملاک‌های گزینش کارگزاران در حکومت علوی، حکومت اسلامی، زمستان ۱۳۷۹، ش ۱۸، صص ۲۱۴-۲۳۷.

۵. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۶۵.

۶. شیخ حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ص ۴۲۹.

۷. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، بند ۲۴، ص ۱۰۰۲.



سرپرستی بگمار که بزرگی کار بر او چیرگی نیاید و بسیاری کار آشفته‌اش نکند<sup>۱</sup> برای هر یک از خدمتگزاران کارویژه‌ای تعیین کن که بتوانی بازخواستش کنی که این زمینه بی‌مسئولیتی و وانهادن کارها را به امید یکدیگر، بیش از پیش می‌زداید<sup>۲</sup> و یا بی‌گمان این روش که مرد مأموریت و مسئولیت خویش را تباه کند و درگیر کاری دیگر شود که مسئولیت آن را ندارد سند ناتوانی به‌شمار آید و بیانگر اندیشه‌ای ویرانگر باشد<sup>۳</sup>. بنابراین با انجام چنین اعمالی کسی که بهترین کفایت را داشته باشد، مستحق ولایت است.<sup>۴</sup>

زمانی که حکومت به دست عالی‌ترین افراد و با کفایت می‌رسد کارها به متخصصین و خبرگان سپرده می‌شود<sup>۵</sup> و کارها به وسیله کارگزاران راست و درست می‌شود.<sup>۶</sup> امام علی (ع) می‌فرماید: «آفت کارها را ناتوانی کارکنان است»<sup>۷</sup>. یعنی در زمانی که اصل لیاقت و کاردانی و شایسته‌سالاری صورت نگیرد، پیامدهای منفی ناشی از آن کشور را به فساد و تباهی می‌کشاند و اراذل، افاضل را هلاک خواهند کرد.<sup>۸</sup>

امام (ع) درباره آثار حکومت نالایق می‌فرماید: «من از این اندوهناکم که افراد سفیه، سبک مغز، فاجر و منحرف، زمام کار امت را به‌دست گیرند آن گاه مال خدا را در انحصار خویش آورده، بندگان خدا را برده سازند و با صالحان دشمنی کنند و از فاسقان حزب و گروه تشکیل دهند. میان اینان که در مقام تصدی قدرت‌اند برخی مشروب‌خوارند و حد تازیانه بر آنها جاری شده است»<sup>۹</sup>. حکومت افراد ناشایست باعث گمراهی می‌شود زمانی که حضرت خود را شایسته حکومت اعلام کرد برای دوستداری ریاست و حکومت نبود، بلکه ایشان برای جلوگیری از اقامه باطل خود را معرفی نمودند.

ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «از روزی که حق به من نشان داده شد هرگز در آن شک و تردید نکردم کناره‌گیری من، مانند کناره‌گیری حضرت موسی (ع) در برابر ساحران است که بر خویش بیمناک نبود، بلکه ترس او برای این بود که مبادا جاهلان پیروز شده و دولت گمراهان حاکم گردد. امروز ما و شما بر سر دوراهی حق و باطل قرار گرفته‌ایم. آن کسی که به‌وجود آب اطمینان

۱. همان و نامه ۵۳، بند ۵۴، ص ۱۰۱۶.

۲. همان و نامه ۳۱، بند ۶۴، ص ۹۳۹.

۳. همان و نامه ۶۱، بند ۱، ص ۱۰۴۶.

۴. عبدالکریم قزوینی، بقا و زوال در کلمات سیاسی امیرمؤمنان، ص ۶۷.

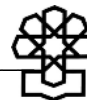
۵. جمال‌الدین محمد خوانساری، شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۱۸.

۶. قزوینی، بقا و زوال در کلمات سیاسی امیرمؤمنان (ع)، به کوشش رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱، ص ۸۴.

۷. همان، ص ۷۰.

۸. همان، ص ۱۳۱.

۹. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۶۲، بند ۵، ص ۱۰۵۰.



دارد تشنه نمی ماند».<sup>۱</sup>

از نظر امام علی (ع) دولت‌های بدکاران محل محنت اخیار و نیکان است و دولت‌های فاسقان محل خواری پرهیزگاران و نیکوکاران می‌باشد.<sup>۲</sup> ایشان عامل سقوط و نابودی دولت‌ها را ریاست و حاکمیت ناکسان فرومایه و تازه به دولت رسیده می‌شمارد.<sup>۳</sup> امام علی (ع) از دیگر عوامل سقوط دولت‌ها را ناشی از ضعف کارآمدی و سوءمدیریت می‌داند و چنین می‌فرماید: «ضایع کردن اصول اساسی، مقدم داشتن فرومایگان و مؤخر قرار دادن فرزندان و شایستگان و مغرور شدن».<sup>۴</sup>

از نظر امام علی (ع) چهار عامل سوء تدبیر و ضعف مدیریت، تبذیر ناروا و هزینه‌های زیانبار اقتصادی و عبرت نگرفتن از تجارب سودمند و عذرخواهی مکرر به جای جبران گذشته را باعث ناکارآمدی اجتماعی و اقتصادی یک حکومت می‌داند.<sup>۵</sup>

بدیهی است که کارآمدی، کفایت و کاردانی و شایستگی کارگزاران حکومت از طرفی باعث استحکام نظام سیاسی و از طرف دیگر باعث جلب اعتماد مردم نسبت به حکومت خواهد شد که این امر در نهایت موجب بالندگی و رشد اجتماعی و افزایش کارآمدی در دو حوزه مادی و معنوی در سطوح فردی و اجتماعی خواهد شد.<sup>۶</sup>

### شاخص سوم - قانون‌گرایی

قانون‌گرایی زمانی ارزشمند و ارزنده است که در عمل نیز افراد بدان پایبند باشند. به طوری که اگر در جایی به ضرر آنان باشد به آن گردن نهند.

حکومت علی (ع) براساس ضابطه و قانون پی‌ریزی شده بود و روابط در آن جایی نداشت و تمام طبقات و افراد جامعه جدا از رنگ، نژاد، شغل و قبیله ... در مقابل قانون یکسان بودند.

برای مثال حضرت علی (ع) خطاب به عمر خلیفه دوم فرمودند: «سه چیز است که اگر به آن عمل کنی، تو را کفایت می‌کند و اگر ترک کنی، هیچ چیز ترا کفایت نمی‌کند:

۱. اقامه حدود بر قریب و بعید،

۲. قضاوت براساس کتاب خدا در حال رضا و سخط،

۳. تقسیم عادلانه بین قرمز و سیاه».<sup>۷</sup>

۱. همان و خطبه ۴، بند ۷، ص ۵۵.

۲. عبدالکریم قزوینی، بقا و زوال در کلمات سیاسی امیرمؤمنان، ص ۳۹.

۳. همان، ص ۳۵ و ص ۴۰.

۴. همان، ص ۶۷.

۵. محمدبن عبدالواحد التیمی الامدی، غررالحکم و دررالحمک، ص ۳۴۲.

۶. علی‌اکبر علیخانی، توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، صص ۲۰-۳۰.

۷. علی‌اصغر الهامی‌نیا، نظارت بر کارگزاران در حکومت علوی، حکومت اسلامی، ش ۱۸، ص ۲۵۴.



امام علی (ع) در تقسیم بیت‌المال همیشه قانون را رعایت می‌کرد و از رابطه‌گرایی و تبعیض دوری می‌جست مانند داستان عقیل و فرزندان او که امام در مقابل زیاده‌خواهی برادرش مقاومت کرد.<sup>۱</sup> در روایت دیگری آمده که عبدالله بن جعفر داماد امام علی (ع) نزد عمویش آمد و گفت سزاوار است برای تأمین هزینه زندگی روزمره به من کمک مالی شود، سوگند به خدا چیزی ندارم مگر اینکه گوسفند خود را بفروشم. آن حضرت فرمودند: چیزی برای تو در نزد من نیست مگر اینکه به عمومی خود دستور بدهی تا از بیت‌المال دزدی کند و به تو بدهد.<sup>۲</sup>

امام علی (ع) در تقسیم بیت‌المال بین افراد تفاوتی نمی‌گذاشت «روزی دو زن که یکی عرب آزاده و دیگری کنیزی آزاد شده و غیرعرب بود به نزد آن حضرت آمدند امام علی (ع) به هر دو به طور مساوی مقداری غذا و چند درهم دادند. زن عرب اعتراض کرد که من عرب هستم و این زن عجم، چرا به من بیشتر ندادی، امام علی (ع) فرمودند: سوگند به خدا من در تقسیم بیت‌المال، فرزندان اسماعیل را بر فرزندان اسحاق برتر نمی‌بینم».<sup>۳</sup> قاطعیت حضرت در اجرای حدود و قوانین الهی نسبت به متخلفان نیز جای تأمل و بررسی دارد. ایشان در مقابل متخلفان به خصوص خیانتکاران به بیت‌المال و سختگیری درباره اجرای احکام دین و قوانین اسلامی از هیچ‌گونه خیانتی نمی‌گذشت و به تناسب تخلفات به مجازات متخلفان - حتی اگر از کارگزاران ایشان بودند - می‌پرداخت.

عبدالله بن عباس، پسر عمومی امام علی (ع) به‌عنوان والی بصره خلافتی مرتکب شد که امام علی (ع) در ابتدا ضمن تشریح خطای او از او می‌خواهد با بیم داشتن از خداوند، مال مردم را به صاحبانش برگرداند و گرنه منتظر کیفر باشد و حتی فرمودند: «اگر حسن و حسین هم، چنین عملی انجام می‌دادند مجازاتشان می‌کردم و حق را از آنان می‌گرفتم»<sup>۴</sup> و یا در جای دیگر خطاب به کارگزاری که از بیت‌المال سوءاستفاده کرده بود می‌نویسد: «پناه بر خدا آیا به رستاخیز ایمان نداری و از حساب و پرسش نمی‌هراسی؟ ای کسی که نزد ما در شمار خردمندان بودی چگونه درحالی که می‌دانستی آنچه می‌خوری و می‌نوشی حرام است آن را بر خود گوارا ساختی؟ پس از خدا بیم دار و مال این مردم را به آنها برگردان و اگر این کار نکنی چون بر تو دست یابم، تو را کیفری دهم که نزد خدا عذرخواه گردم و تو را با شمشیری بزنم که کسی را بدان نزده‌ام مگر آنکه به آتش درآمده است. به خدا، اگر حسن و حسین نیز چنان کنند که تو کردی، از من روی خوش نخواهند دید و کامیاب نخواهند شد تا آنکه حق را از آنان

۱. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۵، بند ۲ الی ۷، صص ۷۱۴-۷۱۵.

۲. ابوالسحاق اصفهانی، الغارات، ج ۲، ص ۶۷.

۳. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۳۷.

۴. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۴۱، صص ۹۵۷-۹۶۰.



بستانم و باطلی را که از ستم آنان ایجاد شده است نابود سازم».<sup>۱</sup>

امام علی (ع) آن چنان در اجرای احکام دین سختگیر بودند که بسیاری از دنیاطلبان تاب تحمل آن را نیاوردند. به عنوان مثال امام علی (ع) قنبر را مأمور حد زدن به مردی کرد. قنبر تحت تأثیر احساسات خود به آن مرد تازیانه بیشتر زد. امام علی (ع) در جبران این اشتباه قنبر آن مرد را وادار کرد که به قنبر سه تازیانه بزند.<sup>۲</sup>

در احادیث آمده که یکی از دختران حضرت گردنبندی را به صورت عاریه از خزانه دار بیت المال گرفت. امام علی (ع) ضمن توبیخ خزانه دار، به دخترش فرمان برگرداندن آن گردنبند را به بیت المال داد و فرمودند: «اگر به شکل عاریه نبود، تو اولین زن از بنی هاشم بودی که به جرم سرقت، دستش را قطع می کردم».<sup>۳</sup>

در تاریخ آمده که حتی نجاشی را که یکی از یاران نزدیک امام علی (ع) بود (و به خاطر آن حضرت معاویه را هجو کرده بود) به جرم شراب خواری حد زد.

امام علی (ع) در مقابل اجرای قانون حتی تسلیم حکم شد و در تاریخ آمده که آن حضرت در مقام یک مدعی در کنار یک یهودی که زره ایشان را دزدیده بود در محکمه حاضر شد و هرچند حکم شریح خطا بود آن را پذیرفت به گونه ای که مرد یهودی گفت: این حاکم مسلمانان است که به محکمه آمد و محکوم شد و حکم را پذیرفت؟ بعد زره ایشان را تحویل داد و گفت: زره از آن تو است که در صفین برداشته بودم.<sup>۴</sup>

این ماجرا با یک مسیحی هم تکرار شد. به دلیل اینکه حضرت شاهی برای ادعای خود نداشت قاضی به نفع مسیحی حکم داد. مسیحی زره را برداشت ولی وجدانش او را مجبور به قبول اسلام کرد و گفت این طرز حکومت و رفتار، رفتار بشریت و از نوع حکومت انبیاست.<sup>۵</sup>

نوع نظام مدیریت حضرت علی (ع) نظامی مبتنی بر ضد استثنائات بود (استثنائات یعنی خود را بر دیگران مقدم داشتن و یا چیزی را به خود اختصاص دادن، ویژه سازی). امیرمؤمنان علی (ع) از کارگزاران و مدیران خود می خواهد از خودکامگی و تمام خواهی و استثنائات بپرهیزند و برای خود و وابستگان خود در بهره همگانی امتیازی قائل نشده و اموال عمومی را به خود و بستگان خود اختصاص ندهند و از امتیازخواهی آنان جلوگیری کنند.<sup>۶</sup> امام علی (ع) علت شورش بر علیه عثمان را

۱. همان، نامه ۵۰.

۲. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۶۷.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، باب ۲۶، از ابواب حد سرقت، ص ۵۲۱.

۴. علامه محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۹.

۵. همان، ج ۹، ص ۵۶۸.

۶. فیض الاسلام، نهج البلاغه، نامه ۵۳، بند ۸۵، ص ۱۰۳۱.



ترجیح او و خویشان و وابستگانش بر مردم می‌دانست.

امام علی (ع) عامل و زمینه‌ساز ناامنی در جامعه را رواج هر نوع قانون‌شکنی، پرده‌داری و بی‌حرمتی و هتک حرمت دیگران می‌دانند و همگان را به رعایت حقوق مردم سفارش می‌نمودند. این رعایت حقوق حتی شامل غیرمسلمانان نیز در حکومت ایشان می‌شد. امام علی (ع) حتی اجازه نمی‌دادند که به غیر مسلمانان نیز ظلم و ستم شود. حتی اموری که در فرهنگ اسلام مالیت ندارد (مانند شراب و خوک) ولی در فرهنگ اقلیت‌های مذهبی ارزش دارد.

برخورداری مساوی تمامی افراد جامعه از امکانات به‌عنوان یک شاخص مهم تلقی می‌شود. جلب رضایت عمومی مسئله‌ای بود که حضرت در حکومت خود بدان اهمیت قائل بود و تأکید داشتند و رضایت مردم را در مقابل امتیازات یک عده فدا نکردند. مثلاً طلحه و زبیر که چندین سال برای خود امتیازاتی کسب کرده بودند و حق ویژه‌ای از بیت‌المال را به‌دست آورده بودند زمانی که دیدند با افراد عادی یکسان هستند، تحمل نکردند.

### شاخص چهارم - علم و تجربه‌گرایی

داشتن تجربه و تخصص با کاردانی و کارآیی حکومت همراه است و این ویژگی از جمله معیارهای است که امام علی (ع) در گزینش کارگزاران بدان تأکید داشته‌اند. چنانچه امام علی (ع) به مالک می‌فرمایند: «در به‌کارگیری و استخدام عاملان و مسئولین هیچ شفاعتی (معیاری) غیر از شفاعت کاردانی و تخصص و امانت‌داری آنها را نپذیر.»<sup>۱</sup>

برخورداری از خرد، علم و تجربه نیز جزء شرایطی است که امام علی (ع) برای استخدام مسئولین بیان فرموده‌اند: «عقل‌گریزه‌ای است که با آگاهی و تجربه افزایش می‌یابد.»<sup>۲</sup> در اینجا امام علی (ع) برای تقویت و تکامل عقل به علم و تجربه تأکید کرده است. پیامبر (ص) نیز درباره اهمیت تجربه فرمودند: «اندیشه هر فرد به میزان تجربه او بستگی دارد.»<sup>۳</sup>

امام علی (ع) به والیان خود سفارش می‌نمودند که در گزینش کارگزاران تجربه آنان را نیز ملاک اصلی قرار دهند. امام علی (ع) به مالک اشر فرمودند: «کارگزاران خود را از صاحبان تجربه و مهارت که از خاندان‌های صالح باشند انتخاب کن.»<sup>۴</sup>

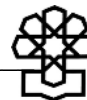
ایشان به مالک درباره اینکه فریب ظاهرسازی متقاضیان را نخورد از او می‌خواهد «آنان را به

۱. محمدبن عبدالواحد التیمی الآمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۲۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۲.

۳. نهج‌الفصاحه، ص ۴۲۱.

۴. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، بند ۴۳، ص ۱۰۱۱.



کرداری که برای نیکان پیش از وی انجام داده‌اند بیازماید»<sup>۱</sup>.

در جایی دیگر امام علی (ع) از مردمی که او را به‌عنوان سرآمد کارآمدان حکومت اسلامی پیروی نکردند، فرجام آنان را حسرت بیان می‌کند و عواقب مردمی که به حکومت ناهلان بی‌تجربه و تازه‌کار گردن نهادند چنین می‌فرماید: «اما بعد، همانا عصیان در برابر خیراندیش دلسوز و عالم مجرب موجب اندوه و حسرت است و فرجامی جز پشیمانی ندارد. من در این حکومت فرمان لازم را دادم و چکیده رأی خود را با شما در میان نهادم. افسوس که گوش شنوایی نبود. آن گاه مانند معاندان بی‌انصاف و پیمان‌شکنان عصیانگر، از من روی بگردانید تا آنجا که پندآموز در نصیحت مردد گشت و آتش‌گیران جرقه‌ای دیگر نزد»<sup>۲</sup>.

ایشان در آخرین نامه خود به مالک اشتر به او سفارش می‌نمایند «با یادآوری تجارب و سنن نیکو و صحیح و مبتنی بر عدالت پیشینیان، کارگزاران را به‌کار بندد»<sup>۳</sup>.

### شاخص پنجم - نظارت

نظارت به معنی مراقبت، زیر نظر گرفتن و دیده‌بانی بر انجام کار است. بخش عمده‌ای از موفقیت و یا عدم موفقیت در یک سازمان در انجام وظیفه و برنامه‌ریزی و رسیدن به اهداف آن بستگی به مدیران و کارمندان آن سازمان دارد، زیرا لزوم داشتن مدیر و کارکنان شایسته و توانا برای انجام کارها براساس اهداف سازمان اهمیت بسیار دارد. اجرای دقیق برنامه‌ها در راستای اهداف سازمان در صورتی محقق می‌شود که نظامی دقیق و جامع برای نظارت یا کنترل آن وجود داشته باشد. همان‌طور که می‌دانیم هر سازمانی دارای منابع و امکاناتی است که برای رسیدن به اهداف آن باید از آنها به‌صورت مطلوب و بهینه بهره‌برداری کرد و این امر در سایه وجود نظارت و کنترل امکانپذیر است.<sup>۴</sup>

عناصر اساسی علم مدیریت در نظر هنری فایول به پنج بخش تقسیم می‌شود که عبارتند از: تنظیم برنامه، سازماندهی، فرماندهی، هماهنگی، کنترل و نظارت.

او می‌گوید: اصول منطقی و اساسی که این چهار اصل را کامل می‌کند اصل کنترل و نظارت است که اجرای اهداف و فرامین سازمان را به اعضای آن مورد رسیدگی قرار می‌دهد.

فرآیند کنترل باید سریع و دقیق صورت گیرد تا در سریع‌ترین زمان تمامی امور مربوطه به‌طور دقیق رسیدگی شود و نارسایی‌ها مشخص شود. در این صورت است که ارزیابی کارایی و

۱. همان، نامه ۵۳، بند ۵۳، ص ۱۰۱۶.

۲. همان و خطبه ۳۵، بند ۳، ص ۱۱۶.

۳. همان و نامه ۵۳، بند ۸۷، ص ۱۰۳۴.

۴. ابوطالب خدمتی، انواع کنترل و نظارت در مدیریت اسلامی، حوزه و دانشگاه، ش ۲۳، تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۰۵.



کارآمدی هر سازمان و کیفیت انجام امور با انجام نظارتی و کنترل بر آن سنجیده می‌شود. از آنجا که پیشرفت و کارآیی در سازمان و نظام‌های غیردینی و لائیک تنها با ملاحظات مادی سنجیده می‌شود، در اسلام سازمان‌ها و نظام سیاسی پا را از ملاحظات مادی فراتر گذاشته<sup>۱</sup> و نه فقط به اهداف زودگذر اقتصادی، بلکه به ابعاد معنوی، کارآیی و شرافت انسانی و ارتقای کرامت بشری در رفتار سازمانی و تعامل حکومت و مردم را نیز مد نظر دارد. در آموزه‌های دینی ما نیز دستورات روشن و کامل درخصوص نظارت وجود دارد و مدیران جامعه اسلامی باید یک نظام کامل، جدی و عادلانه برای کنترل و ارزیابی سازمان داشته باشند. نظام کنترلی در دین اسلام، نظامی جامع و کامل و عادلانه و منحصر به فرد است. در این نظام خداوند و فرشتگان او ناظر بر اعمال، رفتار و نیات انسان هستند و به انسان گوشزد می‌شود که همواره در محضر خداوند متعال است و فرشتگان در همه حال ناظر بر اعمال و رفتار او هستند. پس انسان باید مواظب اعمال و رفتار خود باشد.<sup>۲</sup>

به‌طور خلاصه نظارت براساس آموزه‌های دینی اسلام به چندین بخش زیر تقسیم می‌شود:

۱. نظارت الهی خداوند متعال که ناظر بر رفتار و اعمال انسان‌هاست،
۲. نظارت فرشتگان در همه چیز مانند اعضای تن انسان، زمین و ...،
۳. نظارت فرد بر اعمال و رفتار خود قبل از اینکه عملکردش توسط دیگران ارزیابی شود، (خود کنترلی)،
۴. نظارت عمومی و همگانی که به مسلمین سفارش شده است که در قبال یکدیگر احساس مسئولیت کرده و در صورت مشاهده عملکرد نادرست و انحرافی به یکدیگر تذکر دهند و در حقیقت امر به معروف و نهی از منکر کنند،
۵. نظارت سازمانی که به دو صورت نظارت آشکار و پنهان است.<sup>۳</sup>

گزینش افراد از منظر امام علی (ع) بسیار اهمیت دارد. ایشان به مالک اشتر چنین می‌فرمایند: «پس در کار انتخاب عاملان خود بیندیش و تنها پس از آزمون و امتحان، آنها را به‌کار بگمار و از روی هوا و هوس و بدون توجه به دیگران به کارشان مگیر، چرا که این عمل ترکیبی از اجزای ظلم و جور و خیانت است».<sup>۴</sup>

۱. علامه محمدتقی جعفری، یک بحث بنیادین در ریشه‌های انگیزش (مندرج در نگرشی در مدیریت در اسلام، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۲، صص ۱۶۹-۱۷۰ و چالش کارآمدی، قسمت اول، مجله حکومت اسلامی، ش ۲۴، اسفند ۱۳۸۳ و فروردین ۱۳۸۴.

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۵، سوره یونس، آیه ۱۰۶.

۳. ابوطالب خدمتی، انواع کنترل و نظارت در مدیریت اسلامی، مجله حوزه و دانشگاه، ش ۲۳، صص ۱۰۵-۱۰۶.

۴. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، فراز ۷۱.



در این حدیث به‌کارگیری و استخدام کارکنان بدون طی مراحل گزینش و تحقیق نوعی از خیانت محسوب شده است. این مسئله زمانی اهمیت دارد که اگر نیرو نامناسب باشد سازمان باید تا پایان بازنشستگی آن فرد مشکلات او را تحمل کند.<sup>۱</sup>

در جایی دیگر آمده است «هر کس برادری را بدون آزمون و امتحان اختیار کند به حکم اضطرار ناگزیر از رفاقت با بدان گردد».<sup>۲</sup>

امام علی (ع) معیارهای گزینش افراد را چنین به مالک معرفی می‌فرماید: «پس به سراغ کسانی برو که از خانواده‌های اصیل، نجیب، باشخصیت، مؤمن، صالح و خوش‌سابقه باشند».<sup>۳</sup> و در ادامه نامه می‌فرماید: «و از میان آنها افرادی که باتجربه‌تر و پاک‌تر (باحیاطتر) هستند برگزین»<sup>۴</sup> و «یا»<sup>۵</sup> کسانی را برگزین که در اسلام پیشگام‌ترند». دلیل حضرت این است که «زیرا اخلاق آنها بهتر و خانواده آنها پاک‌تر و همچنین کم‌طمع‌تر و در سنجش عواقب کارها بیناترند».<sup>۶</sup> حضرت علی (ع) در خطبه همام صفات و ویژگی‌های بسیاری را برای گزینش افراد بیان فرموده‌اند.

### نظارت مخفی و پنهان

در سیره نبوی و علوی به امر نظارت و کنترل توجه ویژه شده است. امام رضا (ع) درباره سیره پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمودند: پیامبر (ص) هرگاه لشکری اعزام می‌کرد و امیری آنان را فرماندهی می‌نمود، یکی از افراد مورد اعتماد خود را نیز با آنان همراهی می‌کرد تا خبرها را به‌طور پنهانی به ایشان برساند.<sup>۱</sup>

امام علی (ع) جامعه اسلامی را با تدبیر و سازماندهی گسترده، نظارت و کنترل دقیق سامان داده بودند. در روش ایشان انتخاب کارگزاران کارآمد و اصلح، پیشگیری از بروز خلاف‌های احتمالی مدیران قبل از نظارت بر آنان بود. یعنی در کنار به‌کارگیری مدیران شایسته و اعلان هشدار لازم، نظارت و کنترل سازمان‌یافته نیز جهت ارزیابی عملکرد مدیریت کارآ و بهینه انجام می‌شد.

نظارت امام علی (ع) در چند محور قابل بررسی و تأمل است:

الف) انتخاب کارگزاران نمونه و شایسته،

ب) رسیدگی مادی و معنوی به کارگزاران،

۱. امیرحمزه محرابی، مدیریت منابع انسانی از دیدگاه امام علی (ع)، قسمت دوم، بخش سوم، کارمندیابی و گزینش، اسفند ۱۳۸۰ و فروردین ۱۳۸۱، صص ۲۴۳-۲۴۴.

۲. محمد کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۸۹.

۳. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، فراز ۵۲.

۴. همان، نامه ۵۳، فراز ۷۲.

۵. همان، نامه ۵۳، فراز ۷۳.

۶. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۶۱.



ج) تقویت نظارت درونی کارگزاران،

د) نظارت بیرونی بر کارگزاران از طریق مستقیم توسط حاکمان یا نیروهای اطلاعاتی،

هـ) حسابرسی و کیفر کارگزاران خطاکار.<sup>۱</sup>

همان‌طور که می‌دانیم یکی از حقوق کارمند در حکومت عدل اسلامی بر دولت رسیدگی به امور آنان است تا در رفع مشکلات مادی و معنوی این قشر تلاش نماید و آنان نیز وظایف خود را به نحو احسن انجام دهند. یکی از مواردی که باعث پیدایش فساد در نظام اداری کشور می‌شود مشکلات فراوان اقتصادی کارگزاران است که این خود می‌تواند باعث انحراف شود و مفسدیتی مانند کم‌کاری، رشوه‌خواری، بدرفتاری با مراجعان، تزویر و خیانت ... را به وجود آورد. امام علی (ع) بر این مسئله توجه ویژه داشتند و در تأکیداتی که می‌فرمودند به این مسئله اشاره می‌نمودند، امام علی (ع) به مالک در مورد رسیدگی به مسائل کارگزاران می‌فرمایند: «سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی‌دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند و یا در امانت تو خیانت کنند».<sup>۲</sup> حضرت از افراد لایق، خیره، کاردان، بصیر، امین، تیزبین، متقی، مؤمن، امانتدار و صادق بازرسانی را در حکومت خود انتخاب می‌کردند.<sup>۳</sup>

امام علی (ع) این بازرسان ویژه را چشم حکومت محسوب می‌کردند و اگر حاکم بازرس مورد اطمینان نداشته باشد نمی‌تواند حکومت را اداره کند و مانند شخص نایبنا نمی‌تواند راه درست را بیابد. حضرت می‌فرمایند: «سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و افرادی راستگو و وفایبیشه بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان سبب امانتداری و مهربانی با رعیت خواهد بود».<sup>۴</sup>

امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر می‌نویسد: «سپس بر کارگزارانت نظارت کن و ارباب راستی و وفادار بر آن مراقب ساز که بازرسی نهایی در کار، آنان را به امانت‌داری و نرمی با مردمان وادار می‌سازد».<sup>۵</sup> و در جایی دیگر فرموده‌اند: «آنان را براساس خبرویب و شایستگی به‌کار بگمار و از روی روابط و امتیازات نابه‌جا، آنان را به‌کار نگیر».<sup>۶</sup>

حضرت علی (ع) پس از انجام بازرسی بر تنبیه خائنان و فاسدان بدون هیچ اغمازی تأکید

۱. اهرم‌های نظارتی بر کارگزاران در حکومت علوی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ش ۲۷۳، شهریور ۱۳۸۳.

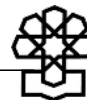
۲. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۵۳.

۳. همان، نامه ۵۳.

۴. همان.

۵. همان، نامه ۵۳، بند ۴۵، ص ۱۰۱۱.

۶. همان، بند ۴۳، ص ۱۰۱۱.



داشتند. در عهدنامه مالک اشتر به او می‌نویسد: «با فرستادن مأموران مخفی که اهل صدق و راستی و وفا باشند کارهای آنان را زیر نظر بگیر! زیرا بازرسی نهایی در کارشان، آنان را به رعایت امانت و ملاحظت با مردم و ادار می‌سازد. با دقت فراوان مواظب اعوان و انصار و کارگزاران خود باش و اعمال ایشان را زیر نظر داشته باش و چنانچه یکی از آنان دست به خیانتی زد و مأموران مخفی تو به‌طور جمعی آن را تأیید کردند، باید به گزارش اکتفا کنی و بدون تأخیر، خیانتکار را کیفر دهی و به مقدار خیانتی که انجام داده است او را کیفر نمایی، آنگاه وی را در مقام خواری و مذلت بنشان و داغ خیانت بر پیشانی او بگذار و طوق رسوایی بر گردنش بیافکن»<sup>۱</sup>.

این روش برخورد امام (ع) به خاطر این است که هم سرنوشت او باعث عبرت دیگران شود و هم دیگران فرصت و امکانی برای خیانت و فساد در میان مردم پیدا نکنند»<sup>۲</sup>.

ملاحظه می‌شود که امام علی (ع) بر نظارت و بازرسی از اعوان و نزدیکان حاکم تأکید داشته‌اند و از سوی دیگر اعزام بازرسان از منطقه دیگر و یا مرکز را ضروری دانسته‌اند. برای امام علی (ع) بازرسی مخفی و پنهان اهمیت بسیار داشت، زیرا در این نوع از نظارت و کنترل آثار فراوان مثبتی چون ترغیب کارکنان به امانت‌داری و مدارا با مردم و ... وجود دارد. نظارت از دید امام علی (ع) در تمامی حوزه‌ها مطرح است از قبیل نظارت بر دستگاه‌های اجرایی، مالی، تولیدی، آبادانی، تجارت، بازرگانی، خدماتی و ...<sup>۳</sup>.

نظارت از دیدگاه امام علی (ع) معطوف به مکاتبات، گفتار، رفتار و عکس‌العمل کارگزاران پس از عزل بوده است. نظارت بر مکاتبات، حضرت نامه‌های کارگزاران را زیر نظر داشتند چه نامه‌هایی که خود آنان به دیگران و یا نامه‌هایی که به آنان نوشته می‌شد مراقبت می‌نمودند. مانند حضرت در نامه‌ای به زیادبن ابیه نوشته است. «اطلاع یافتم که معاویه برای تو نامه‌ای نوشته تا عقل تو را بلغزاند و اراده تو را سست کند»<sup>۴</sup>.

نوع دوم نظارت بر گفتار است که امام علی (ع) در نامه‌ای به ابوموسی اشعری که عامل او در کوفه بود و مردم را پس از آنکه امام علی (ع) آنان را به جنگ جمل فرا خواند وی مردم را به نشستن در خانه ترغیب کرد. امام علی (ع) ضمن توبیخ به او اعلان می‌کند که گفته‌های او مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

حضرت به او فرمودند: «از بنده خدا علی امیرمؤمنان به عبدالله بن قیس (ابوموسی اشعری) پس از ستایش پروردگار و درود سخنی از تو به من رسیده که هم به سود و هم به زیان توسست، چون

۱. همان، بند ۴۵، صص ۱۰۱۱-۱۰۱۲.

۲. محمدفاضل لنگرانی، آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)، چاپ و نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۱۶۱.

۳. قربانعلی دری نجف‌آبادی، مبارزه با فساد در حکومت علوی، حکومت اسلامی، ش ۱۷، تابستان ۱۳۷۹، صص ۲۸۰-۲۸۱.

۴. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۴۴.



فرستاده من پیش تو آید دامن همت به کمر زن و کمرت را برای جنگ محکم ببند و از سوراخ خویش بیرون آی»<sup>۱</sup>.

ایشان در نامه‌های مختلف خود گزارش بازرسان خود با عباراتی چون «به تحقیق در مورد تو این‌گونه به من گزارش رسیده است» و یا «در مورد شما به من خبر رسیده است» بیان نموده‌اند.<sup>۲</sup> همچنین در سیره نبوی و علوی موارد مختلفی از نظارت به صورت علنی و آشکار به شکل مستقیم (خودشان) و یا غیرمستقیم که توسط نمایندگان وجود دارد (نظارت بر رفتار). در روایت آمده که روزی پیامبر اکرم (ص) در بازار مدینه از جنسی که فروشنده‌ای می‌فروخت خوشش آمد و قیمت آن را پرسید. خداوند از طریق وحی به پیامبر (ص) دستور داد دست در ظرف کالا فرو برد. پیامبر (ص) دستور را اجرا و مشاهده کرد در قسمت زیرین ظرف، جنس نامرغوبی جاسازی شده است. حضرت (ص) به فروشنده فرمودند: «می‌بینم خیانت مسلمانان و گول زدن آنان را یکجا جمع کرده‌ای»<sup>۳</sup>. نظیر این حادثه در جای دیگری هم اتفاق افتاد و پیامبر (ص) به فروشنده دستور داد جنس خوب و بد را جدا کند و فرمودند: «در دین ما غش و گول زدن جایز نیست»<sup>۴</sup>.

امام باقر (ع) فرمودند: «امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب (ع) عادت داشت هر روز صبح به یکایک بازارهای کوفه سر زند، درحالی که تازیانه‌ای دو شاخه به نام سیبه به همراه داشت. در هر بازاری می‌ایستاد و با صدای بلند می‌فرمودند: «ای تاجران! پیش از دادوستد از خداوند خیر و نیکی بطلبید و با آسان‌گیری در معامله از خداوند برکت جویید و به خریداران نزدیک شوید (گران نفروشید تا از شما بگریزند) و خود را به زینت علم و بردباری آرایش دهید و از دروغ گفتن و قسم خوردن بپرهیزید و از ظلم و ستم کناره‌گیرید و با مظلومان به انصاف رفتار کنید و به رباخواری نزدیک نشوید»<sup>۵</sup>.

### نظارت درونی (خودکنترلی)

در مقایسه با دو نوع نظارت بیرونی و درونی، نظارت درونی (خودکنترلی) بهترین و کارآترین نوع نظارت بر عملکرد افراد در زندگی شخصی، اجتماعی، سیاسی و مدیریتی است، زیرا زمانی نظارت بیرونی بر شخص تأثیرگذار خواهد بود که او در درون خود نیز بر خود کنترل داشته باشد. حضرت علی (ع) در تبیین نظارت درونی می‌فرماید: «از خود مراقبتی بر خویشتن قرار بده»<sup>۶</sup>.

۱. همان، نامه ۶۶.

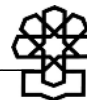
۲. همان، نامه‌های ۳، ۱۹، ۲۰، ۴۰، ۶۳، ۷۰ و ...

۳. محمد کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۶۱.

۴. متقی بن حسام الدین هندی، کنز العمال، ج ۴، ص ۹۰.

۵. علامه محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۰۴.

۶. محمد بن عبدالواحد التیمی الآمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص ۱۲۹.



امام سجاد (ع) خودکنترلی را عامل اصلی حرکت انسان در مسیر صحیح هدایت و تکامل دانسته‌اند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «ای فرزند آدم، تو همواره در مسیر خیر قرار خواهی داشت تا وقتی که موعظه‌کننده‌ای از درون داشته باشی و حسابرسی از خویشتن از کارهای اصلی تو باشد»<sup>۱</sup> در تعالیم اسلامی نظارت درونی نه فقط باعث بیدارسازی وجدان افراد می‌شود، بلکه به دلیل داشتن مبنای ایمانی و اعتقادات دینی - یعنی اعتقاد و باور به روز قیامت و معاد و اینکه روزی در پیشگاه خداوند اعمال آنان مورد حسابرسی دقیق و عادلانه قرار خواهند گرفت و باید پاسخگو باشند - نیز آنان را از کم‌کاری و سهل‌انگاری و خیانت در انجام امور و سعی در انجام بهتر آن ملزم می‌دارد.

پیامبر اکرم (ص) بر ضرورت توجه به حسابرسی و نظارت از درون می‌فرماید: «قبل از اینکه شما را مورد محاسبه قرار دهند، خودتان را محاسبه کنید و پیش از اینکه شما را ارزیابی کنند، خودتان را بسنجید و برای رستخیز آماده شوند»<sup>۲</sup>.

نتیجه تقویت اعتقادات دینی و خودکنترلی از طرفی در سطح جامعه، سازمان‌ها و نهادهای سیاسی و مدیریتی باعث بهره‌مندی از سازوکار ارزان‌تر، کارآمدتر برای نیل به کارآیی و بازده بهتر و جلوگیری از انحرافات خواهد شد و از طرف دیگر اگر مشکلی در عملکرد به وجود آید به سرعت رفع نقص خواهد شد.

### نظارت عمومی و همگانی

براساس سیستم نظارتی اسلام، نظارت تنها شامل کنترل بر سازمان و یا عملکرد و کارآیی کارکنان و یا مدیران نیست، بلکه براساس وظیفه شرعی این نظارت باید بر تمامی اعضای سازمان و شهروندان حکومت حتی حکمرانان نیز باشد و در اسلام بر این نوع نظارت بسیار تأکید شده است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که بر آن قیام کردند که (برای اصلاح بشر) مردم را به نیکوکاری وادار کنید و از بدکاری باز دارید و ایمان به خدا آورید و...»<sup>۳</sup> در این آیه خداوند ویژگی بهترین امت را که امت اسلامی است، امر به معروف و نهی از منکر بیان کرده است. عمل به این دو وظیفه باعث کنترل عمومی و احساس مسئولیت همگانی نسبت به یکدیگر گشته و نقاط ضعف و قوت در هر رده و سطوح بهتر و سریع‌تر تشخیص و رفع می‌شود و باعث بالا رفتن کارآیی همه‌جانبه در نظام سیاسی خواهد شد. چنانچه در صدر اسلام نقش عیون و عریف و نقیب،<sup>۴</sup> حسب، محتسب، آمران به معروف و ناهیان از منکر ... از همین مفاهیم مانند آیه

۱. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷.

۲. همان، ج ۷۰، ص ۷۳.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۴. دری نجف‌آبادی، مبارزه با فساد در حکومت علوی، عیون یعنی بازرس و جاسوس مخفی، عریف به معنی بازرس و خیرچین و نقیب به معنی مهمتر و سرپرست و رئیس قوم، صص ۲۸۶-۲۸۷.



زیر نشئت گرفته شده است.

«مردان و زنان مؤمن همه یار و دوستدار یکدیگرند. خلق را به کار نیکو امر و از کار زشت نهی می‌کنند...»<sup>۱</sup>

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه شرعی و تکلیف الهی مردم و جامعه به شمار می‌آید. نظارت بر عملکرد کارگزاران حکومتی و نصیحت و خیرخواهی زمامداران جامعه و نظارت و پیگیری امور توسط مردم و حکومت اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار است. تا جایی که این حق جزء حقوق متقابل حاکم و مردم و توجه به دوطرفه بودن این اصل شده است.

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «سه وظیفه است که قلب انسان مسلمان، هرگز در آن خیانت روا نخواهد داشت: کارها را برای خدا انجام بدهد، همواره خیرخواه و ناصح زمامداران اسلامی باشد و جماعت مسلمانان را هرگز رها نکند».<sup>۲</sup>

تحقق امر به معروف و نهی از منکر از طرفی باعث بالا رفتن کارآیی و کارآمدی در سامانه مدیریتی و نظام سیاسی کشور می‌شود و از طرف دیگر باعث ایجاد گسترده‌ترین نوع نظارت مردمی خواهد شد. در سیره علوی حضرت به گزارش‌های واصله مردمی بسیار توجه داشته و براساس آنها حتی والیان و نزدیکان خود مانند ابن عباس (والی بصره که به بنی تمیم بی‌مهری کرده بود) به شدت برخورد کرد.<sup>۳</sup>

ایشان حتی به شکایات و اطلاعاتی که از طرف غیرمسلمانان دریافت می‌کردند هم ترتیب اثر می‌دادند و آنان را پا به پای مسلمانان از حقوق اجتماعی‌شان بهره‌مند می‌کردند.

به‌طور نمونه نامه امام علی (ع) به عمر بن ابی سلمه ارحبی «والی بحرین»<sup>۴</sup> و یا در نامه‌ای که به قرظۀ بن کعب انصاری درباره شکایت برخی از زمین در مورد نهر آب داشتند از او خواستند که رسیدگی کند.<sup>۵</sup>

از منظر امام علی (ع) نظارت با تجسس در حریم خصوصی افراد متفاوت است.

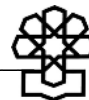
۱. سوره توبه، آیه ۷۱.

۲. محمد کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۳.

۳. علی اصغر الهامی‌نیا، نظارت بر کارگزاران در حکومت علوی، حکومت اسلامی ش ۱۸، نامه ۱۸، زمستان ۱۳۷۹، نامه ۱۸، صص ۲۲۸-۲۶۲، نامه ۱۸.

۴. همان، ص ۲۵۴.

۵. همان، ص ۲۵۴.



## شاخص ششم - امانت‌داری

از دید اسلام مسئولیت‌پذیری (نه ریاست‌پذیری) و امانت‌پذیری بر پایه احساس وظیفه و تکلیف است. یعنی در عرصه مدیریت سازمان و نظام سیاسی، امانت‌داری از شاخصه‌های کارآیی و کارآمدی حکومت است پس مدیران و کارگزاران حکومتی باید بدانند که این مسئولیت امانتی است که به آنان سپرده شده است و باید برای حفظ این امانت نهایت سعی خود را جهت به‌دست آوردن بیشترین بازده مادی و معنوی انجام دهند و نباید به آن خیانت کنند.

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که چه کسانی باید مناصب را به‌دست گیرند؟ همان‌طوری که خداوند در قرآن به رد امانت دستور فرموده باید امانات به اهل آن سپرده شود<sup>۱</sup> یعنی شایستگان باید بر مسند مناصب قرار گیرند، زیرا هر منصب امانتی است که باید به اهلش برسد.

در اندیشه معصومان (ع) نیز حکومت یک امانت است و نه طعمه و لقمه چرب و نگهبانی از این امانت یک وظیفه است. از نظر امام علی (ع) کسی می‌تواند حاکم باشد که حکومت را امانت بداند نه طعمه و موقعیت ویژه برای گردآوری مال. ایشان می‌فرمایند: «امر (دین) خدا را فقط کسانی می‌توانند بر پا دارند (و احکام خدا را عمل کنند) که سازش نکنند، همرنگ جماعت نشوند و در پی مطامع نباشند<sup>۲</sup> این نکته در سخن امام علی (ع) به اشعث بن قیس (استاندار ایشان در آذربایجان) کاملاً مشخص است، ایشان می‌فرمایند: «پست استانداری، برای تو، وسیله آب و نان نبوده بلکه امانتی بر گردن توست. باید از فرمان و امام خویش پیروی کنی. در دست تو، مالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری...»<sup>۳</sup>.

ایشان در نامه‌ای دیگر خطاب به محنف بن سلیم (استاندار اصفهان) درباره زشتی خیانت می‌فرمایند: «بزرگ‌ترین خیانت، خیانت امینان (والیان) و رسواترین دغلكاری، دغلبازی رهبران است»<sup>۴</sup>. امام علی (ع) در نامه‌های دیگر عدم ایفای مسئولیت کارگزاران خویش را با عنوان «خیانت در امانت» بیان نموده‌اند.<sup>۵</sup>

از منظر امام علی (ع) پذیرش امانت مدیریت و حکومت هم‌پای تکالیفی مانند اقامه حق و رفع باطل است؛ در این باره ایشان فرمودند: «به خدا سوگند! این کفش بی‌ارزش، نزد من بهتر از زمامداری بر شماسست مگر اینکه حقی را بر پای دارم یا باطلی را از بین ببرم»<sup>۶</sup>.

۱. سوره نساء، آیه ۵۸.

۲. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، حکمت، ۱۰۷.

۳. همان، نامه ۵، بند ۱، ص ۸۳۹.

۴. همان، نامه ۲۶، بند ۶ و ۷، ص ۸۸۶.

۵. همان، نامه ۴۰، بند ۱ و ۲، ص ۹۵۵.

۶. همان، خطبه ۳۳، ص ۱۱۱.



امام حسین (ع) نیز علاوه بر اینکه حکومت را یک امانت تلقی می‌کردند، زمامداری را شایسته انسانی امین می‌دانستند. ایشان کسی را سزاوار عهده‌داری این امانت و رهبری و پیشوایی امت اسلامی می‌دانستند که عامل به قرآن، به پا دارنده عدل و اجراکننده حق و خود را وقف در راه خداوند سازد.<sup>۱</sup>

### شاخص هفتم - الگو بودن و ساده‌زیستی

از دیدگاه امام علی (ع) مدیران و رهبران باید برای مردم اسوه و الگو باشند و زندگی مادی آنان باید مانند زندگی ضعیف‌ترین مردم باشد.

ایشان در این باره می‌فرمایند: «بر رهبران حق است که در خوراک و پوشاک، مانند ضعیف‌ترین مردم رفتار نموده، از هیچ چیز اضافی که آنان قادر به تهیه آن نیستند، برخوردار نباشند. تا فقرا با دیدن رهبران در آنچه هستند از خدا راضی باشند و ثروتمندان با دیدن آنان شکر و تواضع‌شان بیشتر شود».<sup>۲</sup> اگر زندگی رهبران مانند زندگی اقشار پایین جامعه باشد آنان بینش درست و واقعی از اجتماعی که رهبری و مدیریت آن را دارند پیدا کرده و سعی در بالا بردن سطح زندگی مادی مردم و رفاه اقتصادی نسبی در جامعه خواهند کرد. اگر هم این رفاه انجام نشود، حداقل فایده آن این خواهد بود که تحمل فقر و مشکلات برای مردم آسان‌تر می‌شود.

حضرت در خطبه‌ای می‌فرمایند: «خدای تعالی به پیشوایان حق واجب گردانید خود را با مردمان تنگدست برابر نهند تا اینکه فقیر و تنگدست را پریشانی‌ش فشار نیاورده و نگران نسازد».<sup>۳</sup> وقتی نوع معیشت و زندگی رهبران با مردم جامعه یکسان باشد علاوه بر کاهش توقعات مردم موجب همبستگی و یگانگی عاطفی بین آنان و رهبرانشان می‌شود. در این زمینه امام علی (ع) می‌فرماید: «حاکم باید آنچه را برای خود می‌پسندد و اختیار می‌کند برای مردمان زیر دستش نیز بپسندد».<sup>۴</sup>

امام علی (ع) به والیان خود در مسائل معنوی و عبادات جمعی مانند اقامه جماعات، رعایت حال ضعیفان و ناتوانان را توصیه می‌نمودند.<sup>۵</sup>

حضرت علی (ع) خود نیز همراه و بسان ضعیف‌ترین مردم جامعه زندگی کرده و همیشه اموال خود را بین فقرا و ضعیفان تقسیم می‌کردند.

در تاریخ آمده که ایشان در مورد وصله پیراهن خود می‌فرماید: «به خدا که این جامه پشمین

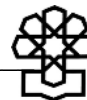
۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۹.

۲. محمدباقر المحمودی، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۵ ق، ص ۴۹.

۳. فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰، بند «۴»، صص ۶۶۳-۶۶۴.

۴. عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی، بقا و زوال در کلمات سیاسی امیرالمؤمنان، به کوشش رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱، ص ۵۷.

۵. فیض الاسلام، نهج البلاغه، نامه ۵۳، بند ۶۷، ص ۱۰۲۳.



خود را چندان پینه کردم که از پینه‌کننده حیا کرده و شرمسارم»<sup>۱</sup>.

### شاخص هشتم - پرهیز از اسراف

اسراف به معنی هرگونه تجاوز از حد و زیاده‌روی در مصرف است. اسراف از ریشه سرفه در لغت کرمی را گویند که ریشه درختان را می‌خورد و فاسد می‌کند.<sup>۲</sup>

در آیات و روایات اسلامی آثار و عواقب اسراف مورد توجه قرار گرفته که عامل بازدارنده از این خطر محسوب می‌شوند و زمینه‌ساز میانه‌روی در مصرف خواهند بود. مانند فقر و گرسنگی، کفران نعمت و وابستگی اقتصادی و ...

پرهیز از اسراف باعث افزایش کارایی و کارآمدی می‌شود و در نتیجه هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. در اسلام مصرف بیش از نیاز و کفایت را اسراف می‌گویند. امام علی (ع) نیز به شدت با اسراف مبارزه می‌کردند.

امام علی (ع) در نامه‌ای که به زیادبن ابیه جانشین حاکم بصره نوشتند، فرمودند: «میانه‌رو باش و از زیاده‌روی دست بردار و امروز فردا را به‌خاطر آور و از مال نگه‌دار چندان که تو را کارساز است و زیادت را پیش فرست برای روزی که تو را بدان نیاز است»<sup>۳</sup>.

### نتیجه‌گیری

مفاهیم کارآمدی و کارایی به‌رغم اینکه مفاهیم تازه‌ای در عصر ما به‌شمار می‌آیند، ولی در تاریخ تفکر حکومتی و به‌ویژه در نهج‌البلاغه رگه‌هایی از آن دیده می‌شود. به‌طوری که اکنون در نظام‌های غیردینی پیشرفت و کارایی حکومت یا یک سازمان تنها با ملاحظات و معیار مادی سنجیده می‌شود، ولی در نظام سیاسی اسلام و سیره حکومت نبوی و علوی علاوه بر ملاحظات مادی به ابعاد معنوی کارایی و شرافت و ارتقای کرامت انسانی در رفتار سازمانی و تعامل حکومت و مردم نیز توجه شده است و اصولاً بازده مادی با افزایش بهینه بازده معنوی در نظر گرفته شده است.

به‌طور اجمال شاخصه‌های کارآمدی و کارایی عمومی حکومت اسلامی به‌شرح ذیل است: این سنجه‌ها مبنای اصلی کارآمدی و کارایی نظام اسلامی به‌شمار می‌آیند و اگر این شاخصه‌ها به درستی در جامعه اسلامی اعمال نشوند، حکومت اسلامی به لحاظ کارآمدی و کارایی ناتوان خواهد بود.

۱. علی‌اکبر علیخانی، توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۲۸۱.

۲. ناصر رفیعی محمدی، آفت سرمایه‌ها، اسراف و تبذیر، سمنان، دانشگاه سمنان، چاپ اول، مرداد ۱۳۷۶، صص ۱۵ به بعد.

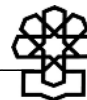
۳. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۲۱، بند ۱، ص ۸۷۲.



۱. عدالت‌ورزی و اجرای عدالت در حوزه عمومی و حکومتی،
  ۲. شایسته‌سالاری در واگذاری مسئولیت‌ها و مناصب حکومتی،
  ۳. تجربه‌گرایی در کارنامه مدیریتی نظام اسلامی،
  ۴. نظارت بر عملکرد مدیران حکومتی،
  ۵. ضابطه و قانون‌گرایی به جای رابطه‌گرایی،
  ۶. امانت‌داری، تکلیف و مسئولیت‌شناسی،
  ۷. ساده‌زیستی رهبران و الگو بودن آنان در جامعه اسلامی.
  ۸. قناعت و پرهیز از اسراف در حوزه شخصی و عمومی.
- با این بیان کارگزاران نظام اسلامی باید با تأسی به این شاخصه‌ها که نمونه کوچکی از شاخصه‌های بزرگ حکومت نبوی و علوی است، جامعه اسلامی را به سمت کارآیی و کارآمدی حکومت اسلامی که مد نظر امام علی (ع) بوده سوق دهند.

### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحدید، فخرالدین ابوحامد. شرح نهج‌البلاغه، ترجمه محمدابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۸ ق، ج ۲۹.
۳. اخوان کاظمی، بهرام. آرمان‌های حکومت در نهج‌البلاغه، حکومت اسلامی، ش ۱۷، پاییز ۱۳۷۹.
۴. اخوان کاظمی، بهرام. امام علی (ع) عدالت و خشونت، کتاب نقد، ش ۱۴ و ۱۵ تابستان و پاییز ۱۳۷۹.
۵. اخوان کاظمی، بهرام. عدالت و خودکامگی‌ستیزی در اندیشه سیاسی امام علی (ع)، مجله حکومت اسلامی، ش ۱۸، زمستان ۱۳۷۹.
۶. اصفهانی، ابواسحاق ابراهیم‌بن‌محمد. الغارات، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، فرهنگ اسلام، ۱۳۶۵.
۷. امینی، عبدالحسین. الغدير، دارالکتب‌العربی، بیروت، ۱۳۸۷ ق.
۸. امینی، عبدالله. معرفی کتاب اداره و النظام الاداری عندالامام علی (ع)، مجله حکومت اسلامی، ش ۱۷، زمستان ۱۳۷۹.
۹. المحمودی، محمدباقر. نهج‌السعادة فی مستدرک نهج‌البلاغه، ج ۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۵ ق.
۱۰. الهامی‌نیا، علی‌اصغر. نظارت بر کارگزاران در حکومت علوی، حکومت اسلامی، ش ۱۸، زمستان ۱۳۷۹.
۱۱. اهرم‌های نظارتی بر کارگزاران در حکومت علوی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ش ۲۷۳، شهریور ۱۳۸۳.
۱۲. اصفهانی، راغب. مفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. بلاذری، ابوالحسن احمدبن یحیی. انساب الاشراف، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۱۴. بیهقی، احمد. سنن کبری، بیروت، دارالفکر، بی‌تا،
۱۵. تقوی رفسنجانی، مهدی. نقش سلامت کارگزاران حکومتی در ثبات و کارآیی نظام‌های سیاسی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع)، مجله اندیشه صادق، ش ۸ و ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.



۱۶. التیمی الامدی، محمدبن عبدالواحد. غررالحکم و دررالکلم، ترجمه مهدی انصاری، دلیل ما، ۱۳۸۴.
۱۷. العروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه. تفسیر نورالثقلین، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق.
۱۸. جعفری، محمدتقی. یک بحث بنیادین در ریشه‌های انگیزش، مندرج در نگرشی در مدیریت در اسلام، تهران، مرکز آموزش و مدیریت دولتی، ۱۳۷۲.
۱۹. جمهوری اسلامی و چالش کارآمدی (قسمت اول)، مجله حکومت اسلامی، ش ۲۴، اسفند ۱۳۸۳ و فروردین ۱۳۸۴.
۲۰. حکیمی، محمدرضا. الحیاء، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۲، ۱۳۶۷.
۲۱. حسینی سیاهپوش، سیدمحمود. سیری کوتاه در مدیریت اسلامی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴.
۲۲. خدمتی، ابوطالب. انواع کنترل و نظارت در مدیریت اسلامی، حوزه و دانشگاه، ش ۲۳، تابستان ۱۳۷۹.
۲۳. خوانساری، جمال‌الدین محمد. شرح غررالحکم، ج ۱ و ۵، تهران، دانشگاه تهران، ش ۸۸، ۱۳۶۰.
۲۴. دری نجف‌آبادی، قربانعلی. مبارزه با فساد در حکومت علوی، حکومت اسلامی، ش ۱۷، تابستان ۱۳۷۹.
۲۵. نوعلم، علی. تجربه کارآمدی حکومت ولایی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۲۶. رحمانی، محمد. ملاک‌های گزینش کارگزاران در حکومت علوی، حکومت اسلامی، ش ۱۸، زمستان ۱۳۷۹.
۲۷. رفیعی محمدی، ناصر. آفت سرمایه‌ها، اسراف و تذیر، سمنان، دانشگاه سمنان، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۲۸. رهبر، محمدتقی. درس‌هایی از نهج‌البلاغه، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۴.
۲۹. سپهر، محمدتقی. ناسخ‌التواریخ، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۳۰. فیض‌الاسلام، سیدعلینقی. شرح و ترجمه نهج‌البلاغه، تهران، ۱۳۵۱ ش.
۳۱. شاخصه‌های حکومت امام علی (ع)، گفتگوی نشریه یالثارات الحسین (ع)، شماره ۲۹۹، با دکتر محمد اسماعیلی.
۳۲. شاخصه‌های حکومت علوی چیست؟ نشریه اسوه، ش ۵۲.
۳۳. شاخصه‌های عدالت‌گستری در حکومت دینی (۱)، مجله حکومت اسلامی، ش ۸۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۵.
۳۴. شایسته‌سالاری در سیره امام علی (ع)، مجله حکومت اسلامی، ش ۲۰۴، آذر ۱۳۷۷.
۳۵. شمس‌الدین، محمدمهدی. نظام‌الحکم و الاداره فی‌الاسلام، بیروت، چاپ سوم، ۱۳۷۴ ق.
۳۶. شهیدی، سیدجعفر. نهج‌البلاغه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۳۷. شیخ صدوق. علل الشرایع، ترجمه سیدمحمدجواد ذهنی، نشر مؤمنین، ۱۳۸۳.
۳۸. شیخ‌مفید، محمدبن محمدبن نعمان. الارشاد، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۸۰.
۳۹. صنیعی منفرد، محمدعلی. رساله‌ای در تثبیت و کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه الزهراء، زمستان ۱۳۸۰.
۴۰. عاملی، حر. وسایل الشیعه، ج ۱ و ۱۳، قم، مؤسسه آل‌بیت، باب ۲۶، از ابواب حد سرقت، ۱۴۰۹ ق.
۴۱. عزالدین بن الاثیر. اسدالغایه، بیروت، ج ۳، دارالحیاء التراث‌العربی، ۱۴۰۹ ق.
۴۲. علیخانی، علی‌اکبر. توسعه سیاسی از دیدگاه امام (علی)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۴۳. فاضل لنکرانی، محمد. آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)، چاپ و نشر دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶.
۴۴. فتحعلی، محمود. کارآمدی نظام اسلامی، مجله حکومت اسلامی، ش ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۳.
۴۵. فتحعلی، محمود. مروری بر دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی، پایگاه حوزه، ش ۱۵۳، بهمن ۱۳۸۳.
۴۶. قربانی، زین‌العابدین. عوامل همکاری و اعتقاد بین مردم و حکومت از دیدگاه نهج‌البلاغه، یادنامه دومین کنگره هزاره نهج‌البلاغه، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۶۳.



۴۷. قزوینی، عبدالکریم. بقا و زوال در کلمات سیاسی امیرمؤمنان، به کوشش رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱.
۴۸. قشیری، ابی‌الحسن مسلم بن حجاج. صحیح مسلم، بیروت، ج ۳، انتشارات دارالکتب العربی، مؤسسه عزالدین، ۱۴۰۷ ق.
۴۹. قمی، شیخ عباس. سفینه البحار، انتشارات فراهانی، تهران، بی‌تا.
۵۰. کاشانی، مجید. کارآمدی نظام و رویکردهای نظری آن، مجله دانشگاه اسلامی، سال هشتم، ش ۲۳ و ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.
۵۱. کلینی، محمد. اصول کافی، مکتبه‌الصدوق، تهران، ۱۳۸۱.
۵۲. لاریجانی، محمدجواد. مباحثی در مشروعیت و کارآمدی حکومت، تهران، سروش، ۱۳۷۳.
۵۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سیدجعفر شهیدی، ۱۳۴۵.
۵۴. مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار، ترجمه محمدجواد نجفی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۴.
۵۵. محمدی‌ری‌شهری، محمد. میزان الحکمه، قم، مکتبه‌الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۵۶. محمودی، اسماعیل. کتاب‌شناسی عهدنامه امام علی (ع) به مالک اشتر، حکومت اسلامی، ش ۱۸، زمستان ۱۳۷۹.
۵۷. مشبکی، اصغر. مطالعه تطبیقی اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، مندرج در نگرشی در مدیریت در اسلام، تهران، مرکز آموزش در مدیریت دولتی، ۱۳۷۲.
۵۸. مطهری، مرتضی. بیست گفتار، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۶، ۱۳۶۱.
۵۹. معادیخواه، عبدالمجید. فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج‌البلاغه، ج ۷، تهران، نشر ذره، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۶۰. معین، محمد. فرهنگ فارسی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
۶۱. منصوری لاریجانی، اسماعیل. مدیریت اسلامی، تهران، مجتمع شهید مطهری، بهار ۱۳۶۹.
۶۲. محرابی، امیرحمزه. مدیریت منابع انسانی از دیدگاه امام علی (ع)، مجله حکومت اسلامی، اسفند ۱۳۸۰ و فروردین ۱۳۸۱.
۶۳. موسوی، محسن باقر. اداره و النظام الاداری عندالامام علی (ع) بیروت، مرکز پژوهش‌های اسلامی غدیر، ۱۴۱۹ ق.
۶۴. نرم‌افزار دانشنامه جامع نهج‌البلاغه، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، ۱۳۸۰.
۶۵. نوایی، علی‌اکبر. بنیادهای نظری کارآمدی فرهنگ اسلامی، اندیشه حوزه، سال هفتم، ش ۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۰.
۶۶. هندی، متقی بن حسام‌الدین. کنز العمال، نشر مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۶۷. یعقوبی، احمدبن اسحاق. تاریخ الیعقوبی، سرور، قم، ۱۳۸۲.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۴۷۹

عنوان گزارش: شاخص‌های کارآمدی و کارآیی حکومت اسلامی در اندیشه امام علی (ع)

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه مطالعات بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین‌کنندگان: سیدیونس ادیانی، سیده‌مرضیه موسوی‌راد

ناظر علمی: سیدمحمدعلی دیباجی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۸/۱۵